



با جوانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با جوانان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	با جوانان
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۲	فصل اول: نصایح
۸۲	فصل دوم: تعلیم و تربیت
۱۱۲	فصل سوم: ازدواج
۱۲۶	درباره مرکز

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷.

عنوان و نام پدیدآور: با جوانان / لطف الله صافی گلپایگانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص

شابک: ۳ ۳۲۰ ۹۷۳ ۹۶۴ ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "با جوانان: مجموعه ای اخلاق، تربیتی از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی صافی (مد ظله العالی)". انتشارات مرکز نشر راسخون در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است.

عنوان دیگر: با جوانان: مجموعه ای اخلاقی، تربیتی از رهنمودهای حضرت آیت الله العظمی صافی (مد ظله العالی).

موضوع: اسلام پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: جوانان و اسلام

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ب ۲ ص ۱۲ BP

رده بندی دیویی: ۰۷۶/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۰۴۵۷

ص: ۱

ص: ۳

با جوانان

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ص: ۴

با جوانان

نام کتاب: با جوانان

مؤلف: آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

چاپخانه و شمارگان: پرستش / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۰

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۹۷۳ ۳۲۰ ۳

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران

تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰

قم صندوق پستی: ۶۱۷

ص: ۵

فهرست مطالب

فصل اوّل

نصایح ۷۰۰۰

فصل دوم

تعلیم و تربیت ۷۷۰۰۰

فصل سوم

ازدواج ۱۰۷۰۰۰

ص: ٧

فصل اول: نصاب

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

با توجه به اینکه خداوند در سوره شمس، یازده قسم برای تزکیه نفس یاد کرده، عدّه ای تزکیه و تهذیب نفس را واجب می دانند، آیا صحیح است؟

تزکیه و تصفیه نفس واجب است و برحسب آیه کریمه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛^(۱) «هرکس تزکیه نفس کند، رستگار می باشد».

مسأله پاک سازی، تهذیب اخلاق، تحلیه (آراستگی به اخلاق کریمه)، تصفیه (صفای روح و جلای قلب) در برنامه های عبادی و اخلاقی و اعتقادی اسلام منظور شده است، و همه در صفای باطن و بُردن زنگار از قلب و تهذیب نفس و تنور ضمیر مؤثرند.

بخشی از تعالیم عالیّه اسلام، تزکیه و تصفیه؛ و بخشی هم تکمیل و تحلیه و بیشتر یا همه تعالیم دین مبین، متضمّن هر دو فایده تزکیه و تحلیه است.

توبه، استغفار، تقوا، اجتناب از محرّمات، اهتمام در حلیت غذا، پوشاک، مسکن، کسب، شغل و انجام عبادات و ریاضات شرعیّه از نماز، دعا، ذکر خدا، روزه، حجّ، ادای زکات و سایر حقوق شرعیّه و احسان به والدین، احترام معلّم، صلّه رحم، کظم غیظ، یاد موت، زیارت مشاهد و قبور، عبرت گرفتن از حوادث روزگار، مجالست و هم نشینی با نیکان و علما و بیشتر هدایت ها

۱- سوره شمس، آیه ۹؛ به راستی هرکس آن [نفس] را پاکیزه داشت، رستگار شد.

و ارشادات دینی که به عنوان واجب یا مستحبّ یا حرام یا مکروه عنوان شده است؛ همه اسباب صفای باطن، کمال نفس، تزکیه و تحلیه است، همه سیر و سلوک است، مخصوصاً اعتقادات صحیح معرفت الله، معرفت انبیا و ائمه و سایر معارف که بر اساس توحید و ایمان به عالم غیب و جزا و پاداش و معاد استوار است.

در این خودسازی، انسان نقش اساسی و بنیادی دارد؛ انجام وظایف و تکالیف و عبادات و ترک گناه که ادامه یافت، روشنی باطن بیشتر و بیشتر می شود و سفر آنانِ اِلَى اللّٰهِ و به سوی خدا شتاب می گیرد، تا تمام قلب، روشن و منور گردد؛ و به عکس ارتکاب محرمات، گناهان و ترک عمل به هدایت های دینی، قلب را تاریک و سیاه و روح را آلوده و تباه می سازد.

بنابراین، دین، همه اش سلوک و سیر اِلَى اللّٰهِ و تهذیب و تصفیه و تحلیه و تکمیل است. این سیر و سلوک، عمل است که «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (۱) موجب حیات طیبه می گردد و با عمل، التزام، ایمان، تعهد، خلوص نیت و خلاصه با دو بال علم و عمل انسان به این مقامات نایل می شود و در مشاهد عالیّه حضور می یابد.

و دیگر پیر، مرشد، قطب و تلقینِ ذکر از این و آن غیر از قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نمی خواهد و نباید به اسم سیر و سلوک،

۱- سوره نحل، آیه ۹۷؛ هرکس از مرد یا زن، که کار نیک کند و مؤمن باشد، به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و به بهتر از آنچه کرده اند پاداششان را می پردازیم.

افرادی دین را به شریعت و طریقت تجزیه و گروه بندی نمایند و حتی علما را به این عناوین تقسیم بندی کنند و یا برنامه هایی را که اصالت اسلامی ندارند، عنوان نمایند.

به بیان دیگر: سیر و سلوک؛ انجام فرایض، نوافل، امر به معروف و نهی از منکر و سعی در اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمین و قضای حوایج مؤمنین و انتظار واقعی فرج، به ظهور حضرت مهدی ارواح العالمین له الفداء است.

خدای متعال همگان را به دین خود، و راه راست که اسلام است هدایت فرماید.

گاهی گفته می شود: اگر کسی می خواهد به کمالات معنوی برسد، باید ادعیه و اذکار را مانند دارو بداند و آن را زیر نظر طبیب روحانی و مجتهد مصرف کند؛ زیرا ادعیه و اذکار دارای مراتب روحی هستند، آیا صحیح است؟

در این جهت، همین مقدار ادعیه و اذکار را که در کتاب های معتبری چون اقبال الاعمال سید بن طاوس، و مصباح المتهجد شیخ طوسی، و مفاتیح الجنان شیخ عیّاس قمی را بخواند، کافی است و دیگر نظر شخص خاص و اجازه لازم نیست؛ بلکه برخی برنامه ها به این عناوین که باید با اجازه باشد و صوفیه و بعضی دیگر عنوان کرده و می کنند بی اصل و برخی صورت های آن بدعت و حرام است. غرض این است که برنامه های دعا و عبادت و همه وظایف، باید از جانب شرع و از ناحیه حضرات معصومین علیهم السلام رسیده باشد و شخص هرگز از اختراعات اشخاص تقلید ننماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارك آيت الله العظمى صافى گلپايگانى (دامت برکاته)

محيط زندگاني براي اين جانب بسيار مشكل شده و اين به خاطر عدم پاي بندي اعضاي خانواده مان به وظيف و دستورات اسلامي است. به همين جهت، تصميم به ترك خانه را دارم تا بتوانم در جايي ديگر، با فراغ بال به وظيف شرعي ام رسيدگي كنم. در ضمن حافظه ام نيز قوي نيست و اين مشكلي ديگر براي من است.

خواهشمند است مرا راهنمايي فرماييد.

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم شما واصل شد. از خداوند متعال مسألت مي نمايم مشكلات شما به احسن وجه حل شود و حسن عاقبت داشته باشيد.

احساسات ديني، علاقه و تعهد شما به احكام و وظيف شرعي مورد تقدير است. ان شاء الله مشمول الطاف حضرت بقيه الله ارواح العالمين له الفداء باشيد. فعلاً اگرچه محيط خانواده براي انجام وظيف مذهبي چنان كه لازم است آماده نباشد؛ ولي شما استقامت كنيد و با همين شرايط، وظيف خود را انجام دهيد.

به نظر مي رسد تغيير وضع زندگي قبل از پايان تحصيلات، موجب اشكالات بيشتري براي شما شود. شما وضع مسلمانان صدر اسلام را در نظر بگيريد كه جوان هايي در خانواده هاي كفر اسلام آوردند و با وجود چه

مشکلات و دشواری هایی، استقامت می ورزیدند. ان شاء الله شما موفق می شوید، مأیوس نباشید.

ضعف حافظه هم مسأله ای نیست. بسیار دیده شده اشخاص باهوش و استعداد در حافظه ضعیف بوده اند و به عکس هم اتفاق افتاده است که آن ضعف را آن قوت جبران نماید. خداوند متعال شما را یاری کند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

با توجه به اینکه جناب عالی با بزرگان زیادی مأنوس بوده اید، خواهشمند است نصیحتی را که راه گشای سعادت دارین باشد، مرقوم فرمایید که: «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (۱).

بسم الله الرحمن الرحيم

عالم و هرچه در آن است و همه حوادثی که در آن واقع می شود، گردش سال و گذشت عمر و شب و روز، زمین و آسمان، فقر و توانگری، تندرستی و بیماری، جوانی و پیری، زندگی و مرگ، ذلت و عزت و هرچه را که می بینیم، و پیدایش هر چیز و نشو و نمای آن و تغییراتی که در آن پیدا می شود، تا مرگ و فنای آن، همه دارای پند و نصیحت است.

اگر نظر انسان، نظر عبرت باشد و از ظاهر دنیا، باطن آن را بشناسد، نگاهش به هر چیز و هر پدیده ای، او را از جهات مختلف هشیار و بیدار می سازد و در هر ذره ای از ذرات عالم امکان و هر برگی از برگ های درختان، ابوابی از معرفت و راه هایی برای نیل به سعادت می یابد؛ به شرط اینکه در زمره آنان باشد که: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ

۱- سوره ذاریات، آیه ۵۵؛ اندرز، مؤمنان را سود دهد.

هذا باطلاً» (۱) در شأن آنها است و از مردمانی نباشد که «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا» (۲).

بنابراین، کتاب تکوین سراسر و تمام ذراتش، کلمات، آیات و حروفش پُر است از موعظه و نصیحت؛ به شرط اینکه شخص، سواد خواندن آن و عقل فهم معانی آن را داشته باشد.

کتاب بزرگ وحی و تشریح قرآن مجید نیز مثل همان کتاب تکوین، متضمن هدایت، نصیحت و ارشاد است. هرچه انسان آن را بیشتر بخواند و در معانی آیات آن بیشتر تأمل کند، به مواعظ و نصایح بیشتر و بیشتر راهنمایی می شود. شما در هر رشته ای نصیحت بخواهید، می توانید از این کتاب اعظم آسمانی دریافت کنید.

اوصاف عباد الرحمن را در سوره مبارکه فرقان بخوانید. تعلیمات اخلاقی و اجتماعی را در مثل سوره اسراء، آیات ۲۲ تا ۳۹، قرائت کنید.

آیات بشارت و انذار آن، همه نصیحت و هشدار دهنده است. بیان اوصاف مؤمنین، اصحاب میمنه، اصحاب یمین و اصحاب شمال، آموزنده و نصیحت است. قصص قرآن، سرگذشت انبیا و رجال الهی و سوء عاقبت کفار، ارباب معاصی، فراغه و جباران، پند و اندرز و هدایت به صراط مستقیم

- ۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹۱؛ و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند که پروردگارا این را بیهوده نیافریده ای!
- ۲- سوره اعراف، آیه ۱۷۹؛ دل هایی دارند که با آن در نمی یابند، و دیدگانی دارند که با آن نمی بینند، و گوش هایی دارند که با آن نمی شنوند.

است؛ همه را بخوانید و پیوسته تکرار کنید و در مضامین آنها تأمل نمایید. در مثل این آیات کریمه تأمل کنید و سعی کنید به حقیقت مفاد آنها برسید.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۱).

«وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا آءِ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا» (۲).

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (۳).

«وَكَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (۴).

«كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ * وَنَعْمَهُ كَانُوا فِيهَا فَكَاهِينَ» (۵).

۱- سوره قصص، آیه ۸۳؛ این سرای آخرت است، آن را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و تبهکاری کنند، مقرر داشته ایم، و سرانجام نیک، از آن پرهیزکاران است.

۲- سوره کهف، آیه ۴۵؛ و برای آنان زندگی دنیوی را به آبی مثل بزن که آن را از آسمان نازل کنیم و به آن گل و گیاه زمین آمیزد، و سرانجام خرد و خوار شود که بادها پراکنده اش کنند، و خداوند بر هر کاری تواناست.

۳- سوره زلزال، آیات ۷ و ۸؛ پس هر کس هم سنگ ذره ای، عمل خیر انجام داده باشد، [پاداش] آن را می بیند و هر کس هم سنگ ذره ای عمل ناشایست انجام داده باشد، [کیفر] آن را می بیند.

۴- سوره یوسف، آیه ۱۰۵؛ و چه بسیار نشانه (و مایه عبرت) در آسمان ها و زمین است که بر آن می گذرند و هم آنان از آنها روی گردانند.

۵- سوره دخان، آیات ۲۵ و ۲۷؛ چه بسیار باغ ها و چشمه ساران از خود باقی گذاردند، و [نیز] کشتزارها و خانه های نیکو و نعمتی که در آن خوش و خرم بودند.

«أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ» (۱)

خلاصه، قرآن کریم نوری است که اگر از آن روشنی طلب شود، همه تاریکی‌ها را از میان می‌برد. اگر به زبان عربی آشنایی ندارید، تفسیر این آیات را در تفاسیر فارسی مثل منهج الصادقین و تفسیر ابوالفتوح رازی بخوانید.

همراه با قرآن، مواعظ و نصایح رسول خدا صلی الله علیه و آله، و مواعظ امیرالمؤمنین علیه السلام را در نهج البلاغه و کتاب‌های دیگر، و نصایح سایر ائمه معصومین علیهم السلام را که حاملان علوم قرآن و مفسران حقیقی کتاب خدا می‌باشند، بخوانید.

سعی کنید تا حدی که می‌توانید، حقوق برادران و خواهران ایمانی را رعایت کنید. برای قضای حوایج مردم، خصوصاً طبقات ضعیف تلاش کنید. حضور در جماعات و جلسات دینی و مذهبی را ترک نکنید. توفیق به نماز شب را بسیار مهم و مغتنم بدانید و از یاد خدا در هر حال غافل نباشید. شب‌های جمعه دعای کامل و روزهای آن، دعای ندبه را بخوانید.

سخت تر از آنچه شخص در امور مالی، از شریک و طرف معامله خود حساب می‌خواهد، خودتان با دقت، به حساب کارهای خودتان برسید که فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهَ - وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهَ - مِنْهُ وَتَابَ إِلَيْهِ» (۲)

۱- سوره شعراء، آیات ۲۰۵ تا ۲۰۷؛ ملاحظه کن که اگر سال‌ها برخوردارشان سازیم، پس از آنچه بیمشان داده ایم، به سراغ آنان آید و آن برخورداریشان به کار آنان نیاید.

۲- کلینی، کافی؛ ج ۲، ص ۴۵۳؛ از ما نیست کسی که روزانه نفس خود را حسابرسی نکند؛ پس اگر عمل نیکی انجام داده، از خدا افزایش اعمال نیک را طلب کند. و اگر مرتکب گناهی شده، به خاطر آن گناه از خداوند طلب غفران نموده و به سوی خدا برگشته و توبه نماید.

نیت خود را خالص کنید و خود را به هیچ کس و هیچ چیز، جز خدا و ثواب خدا نفروشید.

با حضرت بقیه الله، قطب عالم امکان ارواح العالمین له الفداء ارتباط قلبی را مستمرّ بدارید. فراموش نکنید که ما رعیت آن حضرت و تحت ولایت آن حضرت هستیم. هرچه بتوانیم کارهای خودمان را به حساب ایشان و خدمت به اهداف و مقاصد بلند ایشان، که اعتلای کلمه اسلام و عزّت مسلمین است، بگذاریم و همه دوستان، شیعیان و منتظران ظهور آن بزرگوار را صمیمانه دوست بداریم.

امید است سعادت‌مند باشید و به مقامات عالیّه، که فقط با پیروی از اهل بیت علیهم السلام حاصل می شود، نایل گردید.

خداوند، شما و ما و همه مؤمنین را از گرفتار شدن در دام های شیاطین انسی و جنّی و بدعت گزاران حفظ فرماید.

اگر در مظانّ اجابت دعوات، حقیر را از دعای خیر، مخصوصاً برای سلامتی ایمان، حسن عاقبت و توفیق فراموش ننمایید، بسیار متشکر خواهم بود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است این جانب را در مسیر سلوک راهنمایی فرمایید. آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی نمایم؟ در این زمینه، چه کتابی را پیشنهاد می فرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوب جناب عالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد. چون در مقام تهذیب اخلاق و به گفته خودتان، در سیر و سلوک، راهنمایی از این حقیر خواسته اید، به شما تذکر می دهم که کلّ تعالیم اسلام، از واجبات، محرّمات، مستحبات و مکروهات، سیر و سلوک است.

هر مسلمانی، سالک الی الله است؛ با این تفاوت که در این سلوک، بر حسب قوت و ضعف، اشخاص در تعهد به انجام واجبات و ترک محرّمات، در یک درجه و رتبه نیستند.

هر چه مواظبت انسان بر اطاعت از خداوند متعال و دستورات شرع بیشتر باشد، در این سیر و تحصیل تقرب به خداوند موفق تر می شود.

تعالیم عبادی؛ نماز، حجّ، روزه، دعا، قرائت قرآن، نماز شب، مواظبت بر خواندن نمازهای نوافل یومیه، عبادات شب و روز جمعه، ترک دروغ و غیبت، محاسبه با نفس، قضای حوائج بندگان خدا، احسان به پدر و مادر، صله رحم، حسن جوار، حفظ امانت، مصاحبت و همنشینی با علما، تجدید

توبه و استغفار، مواظبت بر اذکار تهلیل و تسبیح و تحمید و تکبیر، حسن معاشرت با مردم، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق برادران دینی تا حدّی که در روایات مُعلی بن خنیس (۱) بیان شده، حفظ اعضا و جوارح از معاصی و حتی ترک مشتبهات، تفکر در فنای دنیا، نظر عبرت به کوه و دریا و موجودات کوچک و بزرگ و امور بسیار دیگر، که در آیات قرآن مجید بیان شده است و شرح آن نیاز به نوشتن یک کتاب دارد، همه سیر و سلوک است.

دستور سیر و سلوک، همین کتاب های دعا، رساله ها، تفاسیر قرآن مجید و کتاب های حدیث فارسی و عربی است، و نیازی به قطب و مرشد نیست، و همه این امور راه رفتن به سوی خداست؛ و استاد همه، قرآن و تعلیمات ائمه علیهم السلام و احادیث شریفه است.

خلاصه، همه مسلمان ها، اعم از زن و مرد، در پنج وقت نماز، سیر الی الله دارند. زن در خانه شوهر، با خانه داری و انجام وظایف شرعیه خود، و مرد در بیرون خانه با کدّ یمین و عرق جبینش (دسترنج)، می توانند این سیر را ادامه دهند. فقط باید دستور «وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (۲) را رعایت کنند و در همه این اعمال، چشم به رضای خدا و تقرب به او داشته باشند و خدا را فراموش نکنند.

به برکت تعالیم اسلام، راه باز است و بسته نیست، و اگر هم بعضی معاصی سدّ راه شده باشد، با توبه باز می شود.

۱- از اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام .

۲- سوره اعراف، آیه ۲۰۵؛ و از غافلان مباش.

اشخاص منزوی، گوشه گیر و تارک امر به معروف و نهی از منکر، راهنما نیستند. راه بلدها، علما و شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام می باشند. به شما هشدار می دهم از این فرقه ای که به آن اشاره کرده اید، حتما بپرهیزید؛ زیرا راه و روش آنان، گاه به کفر و شرک منتهی می شود. و دعوی ارشاد آنها، اضلال است.

به شما برادرانه نصیحت می کنم، اگر خودتان با پای خودتان، به مدد خواندن نماز در اول وقت، حفظ زبان و برنامه هایی که به آن اشاره شد، به سوی خدا بروید، به خداوند نزدیک می شوید.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (۱)

حقیر هم برای توفیق شما و حفظ ایمان شما از خطر وساوس شیاطین جن و انس دعا می کنم، شما هم بنده را فراموش نفرمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۹؛ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند، به راه های خاص خویش رهنمون می شویم، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

برای رهایی از گرفتاری های روحی و سلب توفیقاتی که داشته ام، چه باید کرد؟

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه شکایت آمیز شما از حالات روحی و تأسف بر سلب بعضی توفیقاتی که داشته اید، واصل شد.

این روحیه "گله از نفس و توجه به منابع روحانی یا [توجه به] ابتلا به خسارت ها و زیان های معنوی"، دلیل بیداری ضمیر و حیات قلب و آگاهی و سلامتی روح است و برخلاف حالت غفلت و بی اعتنائی به گناه است و به نوعی حالت معاتبه و سرزنش نمودن نفس است که در اصلاح باطن بسیار مؤثر است.

در احادیث شریفه، قریب به این مضمون آمده است که: در امم گذشته، شخصی بود که سالیان دراز عبادت می کرد، سپس به رسم آن زمان ها قربانی کرد و مقبول درگاه الوهیت، عزّاسمه نشد. او نفس خود را مخاطب قرار داد و گفت: «به من نرسید آنچه رسید مگر از تو و نیست گناه، مگر از تو». خطاب شد که: «این نکوهش و توبیخ نفس، از آن سال ها عبادت بهتر است».

شما با ایمانی که دارید، باید همین حالت شایسته را داشته باشید و از فوت

ثواب و محروم شدن از کار نیک ناراحت شوید. بنابراین در مقام جبران گذشته برآید و شکر و سپاس خدای متعال را به جا آورید که این وجدان روشن را به شما عطا فرموده است. به شکرانه آن برنامه هایی را که داشته اید، با شوق و نشاط از سر بگیرید. از خدای تعالی توفیق بخواهید و کمک و یاری طلب کنید، ان شاء الله حال شما از گذشته هم بهتر خواهد شد و صفای باطن و نورانیت قلب شما بیشتر می شود.

بنده همواره باید مراقب حالات نفسانی و قلب خود باشد، که در حدیث است: «دل نیز مانند آهن زنگ می گیرد، و با تلاوت قرآن کریم و یاد مرگ، زنگ آن زدوده می شود».(۱)

اگر بتوانید، نفس خود را جریمه کنید و آن را در راه اطاعت و ریاضت، زحمت بیشتر بدهید.

اگر بتوانید، از مال خود انفاق نمایید، نماز بیشتر بخوانید یا قرآن زیادتر تلاوت کنید؛ چنانچه در احوال بعضی بزرگان گفته شده است که: "وقتی نماز مغرب را مختصری از اول وقت تأخیر انداخت، به کفاره آن و تأدیب خود، بنده ای را آزاد کرد".

این فقرات دعای شریف ابی حمزه ثمالی(۲) را با توجه بخوانید و اگر عیبی در کارتان است، آن را اصلاح کنید: «ما لی کُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقَرَّبَ

۱- فیض کاشانی، المحججه البیضاء؛ ج ۲، ص ۲۱۱؛ إِنَّ الْقُلُوبَ تَصِيدُ كَمَا يَصِيدُ الدُّعُ الْحَدِيدُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا جَلَاءُهَا؟ فَقَالَ: تَلَاوُهُ الْقُرْآنَ وَذِكْرُ الْمَوْتِ.

۲- عوف بن اسلم، معروف به ابی حمزه ثمالی؛ از اصحاب امام زین العابدین علیه السلام .

مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضَتْ لِي بِلِيَّهِ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ. سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرَضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَجَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي...» (۱)

اینها اشاره به یک سلسله از عوامل قُلت یا سلب توفیق است که به هر حال توجه آموز، بیدارگر و عافیت بخش است.

من امیدوارم شما تحت تأثیر هیچ یک از عواملی که در این دعا یاد شده، قرار نگیرید. به امید خدا برنامه ها را مانند گذشته اجرا کنید؛ پیش بروید، قدم بردارید که سعادت های بزرگ و درجات عالی و مقامات بلند در

۱- حاج شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان؛ و ترجمه این عبارات چنین است: خدای من! چه شد که هر بار گفتم درون خویش را اصلاح کنم و همنشین توبه کنندگان می شوم، گرفتاری پیش آمد که ثبات قدم را از من گرفت و میان من و خدمت به تو جدایی افکند. مولای من! شاید مرا از درگاه خویش رانده ای و از خدمت [بندگی، در بارگاه قدست] محروم کرده ای؛ یا آن که دیدی من در حق تو کوتاهی کردم، پس تو نیز مرا از خویش دور کردی؛ یا آن که دیدی من از تو روی گردانم، پس بر من خشم گرفتی؛ یا شاید مرا در زمره دروغ گویان یافتی، از این رو رهایم کردی؛ یا شاید دیدی که من سپاس گزار مواهب تو نیستم، پس تو نیز بی نصیبم گذاشتی؛ یا شاید آن که مرا همنشین عالمان ندیدی، از همین رو خوارم نمودی؛ یا آن که مرا در میان غفلت زدگان دیدی و چنین شد که از رحمت ناامیدم کردی؛ یا آن که مرا در میان اهل باطل دیدی، پس مرا به آنان واگذاردی.

انتظار شماسست. به حضرت بقیه الله، مولانا المهدي ارواح العالمين له الفداء متوسل باشيد و برای فرج ایشان دعا کنید.

تَبَّتْكُمْ اللَّهُ وَإِنَّا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

والسلام عليكم ورحمه الله وبركاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

ضمن تبریک ایام ولادت حضرت فاطمه علیها السلام، خواهشمند است نصیحتی فرمایید تا بتوانیم هرچه بیشتر در راه اسلام ثابت قدم باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمد وآله الطاهرين، سيما بقيه الله في الارضين.

قال الله تعالى: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصِيكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱).

نصیحتی که به شما می‌نمایم، برگرفته و اقتباس از نصیحت و سفارش مرحوم علامه حلی، به فرزندش فخر المحققین قدس سرهما می‌باشد. ایشان از بزرگ‌ترین علمای اسلام است که در همه علوم نقلی و عقلی کم‌نظیرند. آن بزرگوار در خاتمه کتاب ارزنده "قواعد"، به فرزندش که او نیز از شخصیت‌های برجسته علمی و از مفاخر عالم علم و تحقیق و فضیلت است، سفارشات فرموده است.

آن فقیه عظیم، فرزند جلیل خود را مخاطب قرار داده و بعد از دعای خیر،

۱- سوره انعام، آیه ۱۵۳؛ و بدانید این راه راست و درست من است، پس آن را در پیش گیرید، و به راه‌های دیگر نروید که شما را از راه او دور اندازد. این چنین به شما سفارش کرده است؛ باشد که تقوا پیشه کنید [و در امان مانید].

او را به تقوا و پرهیزکاری، که سپر نگهدارنده و وسیله پایدار و سودمندی است و انسان را برای قیامت آماده می نماید، وصیت می فرماید و به اطاعت اوامر خدا، آنچه موجب رضای او و دوری از آنچه نهی فرموده، دستور می دهد. از او می خواهد که عمرش را در تحصیل کمالات و کسب فضایل و صعود از پستی و نقصان و نادانی، به اوج علم و کمال، مدارج معارف، آداب و مقامات انسانی و اعمال صالحه صرف نموده و اوقات خود را بیهوده تلف نسازد.

از جمله این وصایا، احسان، مساعدت، کمک به برادران، قضای حوایج محتاجان و مقابله بدی به نیکی و تشکر و امتنان از نیکوکاران است.

و نیز او را به ترک صحبت و هم نشینی و معاشرت با مردم نادان و فاسد الاخلاق سفارش می کند. و از طرف دیگر، فرزندش را به ملازمت محضر علما و مجالست فضلا، که سبب رفع جهل و موجب اخلاق حسنه است، توصیه می فرماید.

به صبر و توکل، رضا و حسابرسی نفس و استغفار و پرهیز از ظلم، خصوصا به یتیمان و ضعفا وصیت می کند و می فرماید: "خداوند در کیفر کسی که شکسته ای را برنجاند و ضعیف و افتاده ای را بیازارد، گذشت نمی فرماید".

و بعد از آن می فرماید: در ادای نماز شب، مواظبت داشته باش که پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله بر آن ترغیب و تشویق فرموده است؛ آنجا که می فرماید: «مَنْ خُتِمَ لَهُ بِقِيَامِ اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ، فَلَهُ الْجَنَّةُ».(۱)

۱- ابن ابی جمهور احسایی؛ عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۵۱؛ آن کس که پایان زندگی اش به قیام شبانگهان باشد، بهشت از آن اوست.

صله رحم و پیوند با خویشان را که سبب زیادتی عمر است، انجام بده. و در حسن خلق، هرچه می توانی اهتمام کن، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ». (۱)

در پیوند با ذریه طیبه فرزندان معصومین سلام الله عليهم أجمعین سادات کرام و خدمت و احترام به آنها تلاش داشته باش، که خداوند متعال در سفارش آنها تأکید فرموده و مودت و دوستی ایشان را اجر رسالت قرار داده است: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (۲)

و حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله فرمودند: «من از چهار گروه، در روز قیامت شفاعت می کنم، اگرچه به مقدار گناهان اهل دنیا، گناه بیاورند: کسی که ذریه مرا یاری کرده باشد. شخصی که در تنگدستی، مالش را به فرزندان من بذل کرده باشد. آن کس که اولاد مرا، به زبان و دل، دوست داشته باشد. و شخصی که برای قضای حاجت های ذریه من در وقتی که طرد شده و کنار گذاشته شده باشند، سعی و تلاش نماید». (۳)

و همچنین بر تو باد به تعظیم فقها و اکرام علما، که پیامبر عالی قدر

۱- ابن ابی جمهور احسایی؛ عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۸۰؛ راستی که شما هرگز نتوانید با اموال خویش عهده دار مردم گردید، پس با اخلاقتان چنین باشید.

۲- سوره شوری، آیه ۲۳؛ بگو برای آن کار از شما مزدی نمی طلبم، مگر دوستداری در حق نزدیکان [اهل بیتم].

۳- ابن ابی جمهور احسایی؛ عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۸۰؛ إِيْنِي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَعْرَبَعِهِ أَصْنَافٍ، وَلَوْ جَاؤُوا بِدُنُوبِ أَهْلِ الدُّنْيَا: رَجُلٌ نَصِرَ ذُرِّيَّتِي، وَرَجُلٌ بَدَلَ مَالِهِ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الْمَضِيِّ، وَرَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَبِالْقَلْبِ، وَرَجُلٌ يَسْعَى فِي حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا وَشُرِدُوا.

اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَكْرَمَ فِئِهَا مُسْلِمًا، لَقِيَ اللَّهَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ، وَمَنْ أَهَانَ فِئِهَا مُسْلِمًا، لَقِيَ اللَّهَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ». (۱)

نگاه کردن بر عالم عبادت است، نظر به در خانه عالم عبادت است و مجالست و همنشینی با عالم عبادت است.

بر تو باد به تحصیل علم و فهم دین! مبادا علمی را که داری، از آنان که نیاز دارند، کتمان کنی و اظهار نمایی؛ در قرآن مجید است: «آن کس که دانش خود را کتمان کند، خدا و همه لعنت کنندگان او را لعنت می کنند». (۲)

خصوصاً اگر بدعت ها ظاهر شود، واجب است بر عالم که علم خود را اظهار کند و بدعت ها را دفع نماید و نگذارد که مردم گمراه شده، در اشتباه بیفتند. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ». (۳)

توصیه حقیر، اضافه بر آنچه علامه حلی رحمه الله فرموده، این است که: یاد خدا را در هیچ حال فراموش مکن و خدا را چنان عبادت و پرستش کن که گویی او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند؛ «أُعْظِيكَ اللَّهَ - كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ». (۴)

۱- ابن ابی جمهور احسائی؛ عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۳۵۸؛ هر کس فقیهی را احترام کند، در روز قیامت، در حالی به ملاقات خداوند نایل گردد که پروردگارش از او خشنود است. و هر کس فقیهی را سبک شمرد، در روز قیامت، خدایش را در حالی می بیند که از او خشمگین است.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۹.

۳- ابن ابی جمهور احسائی؛ عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۷۰؛ آن گاه که در امت من بدعت ها پدیدار گشت، پس بر عالم (دینی) است که دانسته های خویش را بیان کند و اگر چنین نکرد، پس لعنت خدا بر او باد.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار؛ ج ۷۰، ص ۷۴.

بر یاد او، به دل و زبان مستمر و مداوم باش! یقیناً خدا هم تو را یاد می نماید؛ «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (۱).

و از شکر نعمت های او، اگر چه کسی از حق شکر آنها بر نمی آید، غافل مباش و از کفران نعمت و اینکه با نعمت خدا او را معصیت کنی، بر حذر باش، که: «وَلَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (۲).

در معامله با مردم، طریق انصاف را رعایت کن! مبادا حقی را از کسی، اگر چه کوچک باشد، انکار کنی. و تا بتوانی با برادران دینی مواسات داشته باش! «أَشَدُّ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ مُوَاَسَاةُ الْأَخْوَانِ فِي الْمَالِ، وَإِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» (۳).

حق برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه را رعایت کن! آسان ترین آن، این است که: برای آنها دوست بداری آنچه را برای خودت دوست می داری، و ناخوش داشته باشی آنچه را برای خود ناخوش می داری.

و با آنها که از تو می بُرند، تو پیوند کن. و آن ها را که به تو ستم می کنند، عفو کن!

پرهیز از خودبینی و غرور و تکبر و نظر حقارت به دیگران؛ «أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ» (۴).

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۲؛ پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۷؛ اگر شکر کنید بر نعمت شما می افزایم، و اگر کفران بورزید [بدانید که] عذاب من سخت و سنگین است.

۳- شیخ مفید، الارشاد؛ ج ۲، ص ۱۶۵.

۴- سوره زمر، آیه ۶۰؛ [به آنان گویند] آیا منزلگاه متکبران در جهنم نیست؟

به هیچ یک از بندگان خدا و برادران و خواهران ایمانی، به نظر کم قدری نگاه مکن! شاید همان کسی که تو او را کم گرفته و کم می بینی، از اولیای خدا باشد.

مظاهر دنیا و مقامات ظاهری، معیار نشان قدر معنوی و حقیقی و شأن اشخاص نیست، که: «الْأَيُّ كَثُرُونَ هُمُ الْأَيُّ قَلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۱).

هرچه خود را در مقایسه با دیگران کمتر بشماری و تواضع بیشتر داشته باشی، به مقامات و درجات بالاتر نایل می شوی.

امر به معروف و نهی از منکر، سعی و کوشش در اعلاى کلمه اسلام و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام را که مکتب اصل و اصیل اسلام است، همیشه وجهه همت خود قرار بده و حُبِّ فی الله و بغض فی الله را در همه احوال و کارها مراعات کن! «أَوْتَقِ عَرَى الْإِيمَانِ، الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (۲).

بر راستی و صداقت، درستی و امانت و حفظ عهد و وفای به وعده که از موجبات مهم عزت دنیا و آخرت و اعتلا و اعتبار جامعه است، ملازمت و مداومت داشته باش، که در حدیث از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «به نماز و روزه بسیار شخص نظر نکنید؛ بلکه به صدق و راستی او در گفتار و ادای امانت او نظر کنید» (۳).

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود: اَمَّتْ مِنْ هُمُورِهِ فِي خَيْرِ هَسْتَنْدِ،

۱- کنز العمال، ص ۲۲۸؛ کسانی که در این دنیا مال اندوزند، در آخرت دستشان تهی است.

۲- شیخ صدوق، معانی الاخبار؛ ص ۳۹۸.

۳- کلینی، کافی؛ ج ۲، ص ۱۰۵؛ لا- تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسَيِّجُودِهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ، فَلَوْ تَرَكَهُ إِسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ؛ وَلَكِنْ اُنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ.

مادامی که امانت را غنیمت و صدقه دادن را غرامت و خسارت نبینند؛ «لا- تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ تَرَ الْأَمَانَةَ مُغْنِمًا وَالصَّدَقَةَ مُغْرَمًا». (۱)

از دوستی با دشمنان خدا سخت پرهیز کن و در این آیات پیوسته تأمل کن!

«لا- تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ». (۲)

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ». (۳)

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». (۴)

۱- شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۴۵۹.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۲؛ قومی نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می ورزند، دوستی کنند، و لو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند. اینانند که [خداوند] در دلهایشان [نقش] ایمان نگاشته است.

۳- سوره توبه، آیه ۲۴؛ بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کسادش می ترسید، و خانه هایی که خوش دارید، در نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش عزیزتر است، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به میان آورد، و خداوند، نافرمان را هدایت نمی کند.

۴- سوره قصص، آیه ۸۳؛ این سرای آخرت است، آن را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و تبهکاری کنند، مقرر داشته ایم. و سرانجام نیک، از آن پرهیزگاران است.

و تلاوت قرآن را ترک مکن که برحسب روایات، قرآن، عهد خدای تعالی است و شخص باید در این عهد نظر کند و حداقل روزی پنجاه آیه از آن را قرائت نماید.

از فایده و فضیلت تفکر در خلق آسمان و زمین، نفس خود و همه آیات الهی، که سبب مزید معرفت و خدانشناسی و بیداری و آگاهی و ترقی روح و عقل می شود، هیچ گاه غفلت مکن که خداوند در قرآن کریم، خردمندان را به این صفت توصیف و تعریف نموده و می فرماید: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ» (۱).

مبادا از آنها باشی که از نظر کردن به ظاهر این عالم، به باطن آن نمی رسند و به همین تماشا و سیر ظاهری جهان اکتفا کرده، مشمول این آیه شریف می شوند: «وَكَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ» (۲).

و در توسل به حضرات معصومین علیهم السلام و حضور در مجالس ذکر فضایل و مناقب و مصایب ایشان، خصوص مجالس روضه و تعزیه حضرت سیدالشهداء علیه أفضل التحیه و الثناء کوتاهی ننما و این مجالس را که متضمن

۱- سوره ذاریات، آیات ۲۰ و ۲۱؛ و در زمین مایه های عبرتی برای اهل یقین هست و نیز در وجود خودتان.

۲- سوره یوسف، آیه ۱۰۵؛ و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمان ها و زمین هست که بر آنان می گذرند و هم آنان از آنها روی گردانند.

کمال روح و تهذیب نفس و کسب ثواب و اجر بسیار و ازدیاد بصیرت و معرفت است، معتنم بشمار!

و خصوصاً یاد ولی نعمت حقیقی و آن آقایی که همه نعمت های الهی و فیوض ظاهریه و باطنیه، از برکت وجود مقدّس او به ما می رسد؛ یعنی حضرت بقیه الله، مولانا المهدی ارواحنا فداه را فراموش ننما و تا می توانی با گفتار و کردار خود خوشنودی و مسرت خاطر شریف ایشان را فراهم نما! برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت و نزدیک شدن روزگار رهایی دعا کن و سعی کن که از منتظران حقیقی و متعهد آن حضرت باشی!

بر صلوات بر محمّد و آل محمّد صلوات الله عليهم اجمعین مداومت داشته باش! و این حقیر فقیر سراپا تقصیر را از دعای خیر و طلب مغفرت در حال حیات و ممات فراموش ننما!

فَإِنَّ اللَّهَ يُجِبُّ الْمُحْسِنِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

والسلام عليكم ورحمه الله وبركاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

اگر روزی قرار باشد خداوند متعال، یک آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت بهترین و مهم ترین آرزو و خواسته حضرت عالی از خدای سبحان چه خواهد بود؟

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه جناب عالی متضمن دو سؤال و درخواست پند و اندرز، واصل شد. سؤال ها و درخواست، کاشف از حسن نیت و بصیرت مذهبی و حیات وجدانی است. حقیر، این ضمیر و ایمان و اعتقاد را به شما تبریک گفته و از خداوند متعال برایتان دوام توفیق، و کمال ایمان و یقین مسألت می نمایم.

اگرچه به واسطه کثرت مشاغل و قَلتِ فرصت، سعی بر این بود که در جواب ایجاز و اختصار رعایت شود؛ ولی معنویت این مطالب و حلاوت و لذتی که برای روح انسان در تذکار و یادآوری آنها فراهم می شود، خود به خود، موجب بسط کلام می گردد؛ به طوری که اگر عنان قلم کشیده نشود، نفس هیچ گاه از بیان این معانی دلپذیر، سیر نگشته و قلم از نوشتن آن باز نمی ماند؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» (۱).

اما پند و اندرز برای خودم و برای شما و همگان!

۱- سوره اعراف، آیه ۴۳؛ سپاس خدای را که ما را به اینجا رهنمون شد و اگر خداوند راهبر نمی شد، هرگز راه نمی یافتیم.

اوضاع جهان و دگرگونی احوال مردمان، و تغییر و تحولات در هر عصر و هر زمان، بلکه در هر لحظه است که همه مشتمل بر بند و موعظه و معرفت آموز و هدایت بخش است، هر ذره ای از ذات، هر برگ درخت، هر قطره باران، هر سلول، هر جنبنده و هر حیوان، جماد، نبات، انسان، کوه، دریا، ستاره، منظومه و کهکشان و ... هر کدام و هر یک، عالمی از حقایق و کتابی از معانی و معارف و راه و طریقی به سوی خدا است. سَنَتِ الْهَيْبَةِ لُبْسِ طُوبَى وَ خَلْعِ حَيَاتٍ وَ مَوْتِ، عوض شدن مظاهر و تازه شدن نعمت ها و کهنه شدن نوها، پیدایش ها و آغازها، و فرجام ها و پایان مهلت ها و عمرها و انقراض دولت ها، برای خردمندان همواره بهترین موعظه بوده و هست؛ «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (۱).

کدام نقطه و حرف و کلمه ای از کتاب آفرینش و کدام پدیده و مخلوق کوچک و بزرگ است که در آن، آثار قدرت بی نهایت و حکمت و علم نامتناهی الهی مشهود نباشد، و آدمیان غافل را با نهیب و هشدار از خواب غفلت بیدار نکند و به اندیشه در عاقبت کار وادار نسازد و در برابر عظمت آفریننده یگانه و یکتای این جهان هستی، خاضع و خاشع نماید و به سجده نیندازد و زبانش را به توحید، تهلیل، تسبیح و تکبیر نگشاید و مثل مضامین این دعا را بر گوش جان او نخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ، وَلَا فِي الْأَرْضِ حَرَكَاتٌ، وَلَا فِي

۱- سوره لقمان، آیه ۳۰ سوره حج، آیه ۶۲؛ این از آن است که خداوند بر حق است، و آنچه به جای او می پرستند، باطل است، و همانا خداوند بلندمرتبه و بزرگ است.

الْعِيُونَ لِحَظَاتٍ، وَلَا فِي الْبِحَارِ قَطْرَاتٌ، وَلَا فِي الْأَشْجَارِ وَرَقَاتٌ، إِلَّا وَهِيَ لَمَكٌ شَاهِدَاتٌ، وَعَلَيْكَ دَالَّاتٌ، وَفِي مُلْكِكَ مُتَحَيَّرَاتٌ» (۱).

آری، همه شواهد، وجود خدا و دلایل علم و حکمت و قدرت اویند؛

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

«إِنْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَشْجَارِ، رَأَيْتَهَا دَفَاتِرَ سِطْرَتٍ عَلَى أَوْاقِهَا أَدَلَّةٌ وَجُودِهِ، أَوْ إِلَى الْبِحَارِ وَحَيْدَتِهَا زَاخِرًا مِنْ بَحْرِ كَرَمِهِ وَجُودِهِ، جَمِيعَ مَا فِي الْكَوْنِ نَاطِقٌ بِتَسْبِيحِهِ وَمَجْدِهِ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (۲).

در حالی که تمام اجزا و اعضای جهان، از اتم تا کهکشان ها و هر جرم و کره ای از آن بزرگ تر و کوچک تر نیست، همه به قدرت الهی در حرکت و سیر و گردش اند، و این حرکت تکوینی در خود انسان و در اعضا و اجزای ذرات وجودش در جریان است؛ همه با زبان بی زبانی، هشدار می دهند که در عرصه اراده و اختیار نباید از قافله حرکت بازماند، باید حرکت کرد و جلورفت و سکون و توقف جایز نیست. حیف است که انسان، این همه مواعظ و هشدارها را با گوش دل نشنود و عمرش را به غفلت و بطالت و عبث و بازی تمام کند.

- ۱- ر.ک به: سید علی خان، کلم الطیب؛ بار خدایا! به راستی که هر چرخشی در آسمان ها و هر حرکتی در زمین و هر نگاهی در چشم ها و هر قطره ای در دریاها و هر برگگی از درختان، همه به تو گواه و دلیل اند و در ملک تو، متحیر و سرگردان اند.
- ۲- اگر به درختان بنگری، می بینی که آنها دفترهایی است که بر برگ های آن دلایل وجود خداوند نوشته شده. و اگر به دریاها بنگری، آنها را سرشار از دریای بخشش و جود خدایی بینی. تمام آنچه در عالم وجود است، به تسبیح و تمجید او گویاست. و هر آنچه هست، تسبیح گوی و سپاس گزار اویند.

در حدیث شریفه از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «هرکس دو روز او مساوی باشد، مغبون و زیان کار است و هرکس امروزش از دیروزش بدتر باشد، ملعون است».(۱)

هرچه می بینیم، همه به ما می گویند: به هوش باشید که وقت می گذرد، فرصت از دست می رود؛ جوانی را پیری، تندرستی را بیماری و زندگی را مرگ و ممات در پی است؛ تا فرصت هست و توان دارید، بپاخیزید و برای راهی که در پیش دارید و بسیار دور و دراز است، زاد و توشه فراهم نمایید، فراموش نکنید که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «كَفَىٰ بِذَلِكَ وَعِظًا لِّمَنْ عَقَلَ وَمُعْتَبِرًا لِّمَنْ جَهَلَ».(۲)

اما پاسخ پرسش اول، که اگر قرار باشد خداوند متعال یک آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت، بهترین و مهم ترین آرزوی شما چیست؟ پرسش بسیار جالب و مهمی است که غیر از ائمه اطهار علیهم السلام که راسخین در علم و معادن بصیرت و معرفت و کمالات عالیه و ملهم به الهامات خاصه ربّانیه هستند، کسی نمی تواند جواب کافی و شافی از آن بدهد.

نمی دانم از خدای تعالی با چنین شرطی که یک آرزو و حاجتم برآورده باشد، چه درخواستی بنمایم و کدام یک از حوایج خود را مسألت کنم!؟

آیا از درگاه او ایمان ثابت، رضا و رضوان او را بخواهم؟

۱- شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۴۲؛ مَنْ اشْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَعْبُودٌ، وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَعْبُودٌ، وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰؛ این اندازه پند، خردمند را کفایت است و نادان را مایه عبرت.

یا فرج و ظهور آقا، حضرت صاحب الامر ارواح العالمین له الفداء را مسألت نمایم؟

یا عرض کنم: «إِلَهِي اجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ وَكَمَا تُرِيدُ؟» (۱)

یا برای همه بندگان خدا، خیر و سعادت دنیا و آخرت و هدایت بخواهم و یا...

ولی من خدای متعال را "باسط الیدین بالعطیة" می دانم؛ می دانم که هرچه از خزاین رحمت و کرم او انفاق و بخشش و عطا شود، چیزی کم نمی شود. همه دعاها را مستجاب می فرماید. او فیاض مطلق است؛ «لَا يَسْأَلُهُ سَائِعٌ عَنْ سَائِعٍ، يُعْطَى مَنْ سَأَلَهُ وَيُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ». (۲) کرم و عطای او محصور و محدود نمی شود؛ «لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا». (۳)

او در کتاب کریمش و وحی نازل بر حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله به همگان برای حضور در مشهد دعا، اجازه عمومی و اذن مطلق داده و با اعلان و بلکه فرمان «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۴) همه را به دعا مأمور و باب استجابت آن را بر روی همه گشوده است.

۱- بارخدایا! مرا آن سان قرار ده که می پسندی و می خواهی.

۲- کلینی، کافی؛ ج ۲، ص ۵۹۳؛ هیچ گوش سپردنی او را از شنیدن صدایی دیگر، باز ندارد و هم به آنکه بخواهد و هم به آنکه درخواست نکند، عطا می کند.

۳- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح؛ گنجینه های او پایان ناپذیر است و عطای بسیار، او را جز جود و بخشش نیفزاید.

۴- سوره غافر، آیه ۶۰؛ و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم، بی گمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی با خواری و زاری وارد دوزخ شوند.

لذا من همه حوایجم را، که هر چه هستم و دارم، حاجت و نیاز است، از او می خواهم و رحمت واسعه و ربانیت و فیاضیت نامتناهی او را محدود و متناهی نمی شمارم، و فخرم این است که سراپای وجودم، فقر و حاجت به اوست و عزتم به اینکه کارساز و قاضی الحاجات اوست.

ولی یادآور می شوم که دعاهای به نسبت جامع و فراگیر مقاصد و مطالب، در ادعیه روایت شده از حضرت رسول اکرم و اهل بیت معظّم ایشان صلوات الله علیهم اجمعین بسیار است و چون همه، منتخب و گزیده است، نمی توان از آنها یک یا چند دعا را برگزید و انتخاب کرد.

اگر بتوانیم از همه کتاب های معتبری که اصحاب ائمه علیهم السلام علما و محدثین تالیف کرده اند، فیض یابیم و بهره مند شویم، به خزاین بی شماری در هدایت و رحمت الهی دست خواهیم یافت.

این دعاهای، علاوه بر آن که متضمّن بیان نیازمندی های حقیقی بشر و مسألت قضای حوایج از حضرت قاضی الحاجات و سامع الدعوات است و خواننده را به فقر کامل و نیاز تمام او به خداوند غنی بی نیاز متوجه می نماید، به بهترین حالات معنوی و حضور و خشوع و خضوع و مقامات قرب و لذت انس با خدا نایل می نماید و درهای علوم و معارف و اخلاق کریمه و آداب فاضله را به روی او می گشاید.

به یقین، اگر راهنمایی آن بزرگواران به این دعاها نبود، بشر نمی توانست مدارج بلند و معارج کمال و یقین و ایمان را که در پرتو دعا و توجه به خدا فراهم می شود، طی نماید. این دعاها به ما می آموزد که خدا را چگونه و با چه اسما و صفاتی بخوانیم، و از او چه بخواهیم.

این دعاها و به خصوص دعاهایی که در قرآن مجید است، همه نور، ایمان، سیر الی الله و فراغت و خلاصی از علایق دنییه و دنیویه (علاقه های پست دنیایی) و حظوظ نفس بهیمیه (بهره های حیوانی)، ارتقای به درجات ملکوتیه و خوض و غور (فرو رفتن) در بحار رحمت و مغفرت و برکات حقیقیه است که امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجات هایش به درگاه خداوند عرض می کند: «یا مَنْ حَازَ كُلَّ شَيْءٍ مَلَكُوتًا وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ جَبْرُوتًا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَوْلَحَ قَلْبِي فَرَحَ الْأَقْبَالِ إِلَيْكَ، وَالْحَقُّنِي بِمَيَادِينِ الْمُطِيعِينَ لَكَ».^(۱)

این دعا را که می خوانیم، می فهمیم که اگر ما خود می خواستیم از خدا چیزی بخواهیم، هرگز این مطالب بزرگ را نمی یافتیم؛ حاجت خود را به این مطالب و مراتبی که در این دعا است، درک نمی کردیم و به همان طلب یک سلسله حوایج جسمانی و دنیایی بسنده می کردیم.

آن حضرت در جریان همین حال حضور و نیایش، دیگر باره چنین در درگاه خدا، زبان به دعا می گشاید:

«یا مَنْ قَصَّيْدهُ الضَّالُّونَ فَأَصَابُوهُ مُرَشِدًا، وَأَمَّهُ الْخَائِفُونَ فَوَجَّهَهُ مَعْقِلًا، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْعَابِدُونَ فَوَجَّهَهُ مَوْئِلًا. مَتَى فَرَحَ مَنْ قَصَّيْدهُ سِوَاكَ بِبَيْتِهِ وَمَتَى رَاحَهُ مَنْ نَصَبَ لِغَيْرِكَ بَدَنَهُ؟! إِلَهِي قَدْ تَقَشَّعَ الظَّلَامُ وَلَمْ أَفْضِ مِنْ خِدْمَتِكَ وَطَرًا وَلَا

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ای آن که ملکوتش همه جا را فرا گرفته و جلال و بزرگی اش بر هر چیز چیره است، بر محمد و خاندانش درود فرست و قلبم را از شادی توجه به سویت لبریز کن و مرا به گستره فرمان بردارانت ملحق نما.

مِنْ حِيَاضِ مُنَاجَاتِكَ صَدْرًا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلَ بِبِي أَوْلَى الْأَمْرَيْنِ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱).

دعاهای صحیفه کامله سجادیه و سایر ادعیه ماثوره از اهل بیت علیهم السلام، همه مشتمل بر مضامین جامع، معرفت آموز، بصیرت افزا و تربیت بخش است؛ روح را نشاط می بخشد، قلب را جلا و صفا می دهد، تیرگی ها را می زداید و به شوق و اشتیاق شخص، برای سیر در عوالم معنا و حقیقی می افزاید.

از دعاهای جامع؛ طلب توفیق، عافیت، مقام یقین، تفویض، تسلیم، توکل و رضا است. در دعاهایی مثل دعای مکارم الاخلاق، آنچه فطرت پاک و نیاز واقعی دعاکننده است، از خدا خواسته می شود و در همه آنها، انسان، هر کس و هر شخصیت و صاحب هر مقام و فضیلتی که باشد، خود را ناچیز و سراپا فقر و احتیاج می بیند، در برابر خداوند غنی بالذات و کامل بالذات، تا می تواند عرض حقارت و ضعف و مسکنت می نماید. با این حال، خود را قوی و قدرتمند و پیروز و شکست ناپذیر می سازد و با سلاح دعا، خود را در مقابل خطرناک ترین تیرهای حوادث مسلح می کند.

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۱، صص ۲۶۵ و ۲۶۶؛ ای آن که گمراهان بدو توجه کنند و او را راهبر بینند و بیمناکان آهنگش نمایند و او را پناه گاهی استوار یابند و نیایش گران به سویش پناه گیرند و او را تکیه گاه خویش یابند. چه زمان شادمان گشت، آن که غیر از تو را طلب کرد، و چه وقت است راحتی آن که بدنش را رنجور غیر کرد. خدای من! روشنایی [سحرگهان] تاریکی [شب] را برده است و هنوز به آرزویم نرسیده ام و از چشمه سار مناجاتت سیراب نگشته ام. بر محمد و خاندانش درود فرست و از میان برآورده ساختن حاجتم و یا بی نصیب گذاشتنم، آنچه نزدت برتر است را انجام ده. ای مهربان ترین مهربانان!

اهل دعا را توفان های بلا بیچاره نمی نماید و سختی ها و شداید از پای در نمی آورد، یأس و ناامیدی بر آنها چیره نمی شود، رجا و امید آنها به خدا و حول و قوه خداست؛ با مثل این دعا: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي» (۱) مقاوم و توانا، و با سرپنجه ایمان و یقین، بر همه مشکلات فایق می شوند و از مواضع ایمانی خود عقب نشینی ندارند. «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (۲) و «أَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ» (۳) و «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (۴) و «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (۵) همه نقاط ضعف آنها را به قدرت تبدیل می نماید.

یا مثل این دعا، به لفظ کوتاه و مختصر و به مضمون جامع و پر از معنا و معرفت، که برحسب روایات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دخترش، سیده نساء العالمین تعلیم داد: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ! بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ، لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ» (۶).

دعا کننده، خود را در حفظ و حراست خدا و در حمایت عنایت او می بیند

- ۱- صحیفه سجادیه، ج ۲، ص ۲۳۴؛ بارخدایا! از تو ایمانی آمیخته در جان و دلم می طلبم و یقینی راستین تا بدانم که هیچ چیز جز آنچه تو برایم نوشته ای به من نمی رسد و مرا به آنچه از زندگی مقدرم نموده ای، خوشود ساز.
- ۲- سوره آل عمران، آیه ۱۷۳؛ خدا ما را بس و چه نیکو کارسازی است.
- ۳- سوره غافر، آیه ۴۴؛ کارم را به خداوند واگذار می کنم.
- ۴- سوره بقره، آیه ۱۵۶؛ ما از خداییم و به خدا بازمی گردیم.
- ۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۰.
- ۶- کنز العمال، حدیث ۳۹۱۸؛ ای زنده پاینده! با رحمت دادرسی ام کن و یک چشم برهم زدن مرا به خود وا مگذار و تمام کارم را اصلاح کن.

و از هر کمی و کاستی و ضرر و زیان، بی بیم و هراس می شود. اصلاً اصل دعا و حقیقت خواندن خدا، از تمام حوایجی که می خواهیم مهم تر و فیض بخش تر است. همه چیز و همه حوایج، کوچک و بزرگ، حقیر و کبیر را باید از خدا خواست که آنچه در آن خواستن و خواندن است، عین اجابت و به مطلب رسیدن است.

خوشا به حال بخت یارانی که همواره با دعا، با او در ارتباط و راز و نیازند، و بدا به حال آنهایی که از توفیق دعا و لذت دعا بی نصیبند. حقیقت عبادت و پرستش خدا دعا است.

قال الله تعالى: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ (۱) أَيْ: يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ دُعَائِي.

در حدیث است: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»؛ (۲) دعا مُخ و مغز عبادت است.

و هم در روایات شریفه است که: از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد: دو نفر با هم شروع به نماز کردند و با هم از نماز فراغت یافتند. یکی از آنها دعایش در نماز بیشتر بود و دیگری قرائتش، فضیلت کدام بیشتر است؟ فرمود: هر دو بافضیلت است. سؤال کننده عرض کرد: می دانم هر دو بافضیلتند، کدام افضل است؟ فرمود: آن که دعایش بیشتر است، افضل است؛ «هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ، هِيَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ، هِيَ أَفْضَلُ»؛ (۳)

۱- سوره غافر، آیه ۶۰؛ و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم، بی گمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند، به زودی با خواری و زاری وارد دوزخ شوند.

۲- شیخ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۸۶.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۱۲۲.

از خداوند متعال مسألت می‌نمایم که دل‌های ما را به انوار شوق و علاقه به دعا منور فرماید و حال اقبال به دعا به ما عطا فرموده، همواره و در همه حالات، ما را از برکات دعا مستفیض فرماید و به خصوص با توفیق دعا برای حضرت بقیه‌الله، ولی عصر ارواح‌العالمین له‌الفداء و طلب تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت، ما را قدردان نعمت ولایت آن صاحب‌زمان و ولیّ دوران، قرار دهد.

اگر إن شاء الله خدای سبحان در عالم قیامت به جناب عالی مقام شفاعت عنایت نمود، آیا بنده را شفاعت خواهید کرد یا خیر؟
ضمناً تقاضای پند و اندرز نیز دارم.

اما در مورد پرسش دوم؛ اولاً: امید دارم شخص شما با این روحیه ایمانی پاک و ولایت اهل بیت علیهم السلام که با الزام به تکالیف شرعیه توأم است، از شفاعت باشید؛ زیرا برحسب روایات، مؤمنین نیز در قیامت از شفاعت هستند.

ثانیا، همه چشم امید به شفاعت کبرای حضرت رسول اکرم و اهل بیت طاهرین آن حضرت علیهم السلام داریم. اگر بتوانیم رابطه خود را با آن بزرگواران نگاه داریم و با آن به عالم دیگر برویم، هرچند شفاعت در روز قیامت بسیارند، که از آن جمله شفاعتِ علما، که پاسداران واقعی دین و احکام و مدافع از حدود و ثغور اسلام و جنود حضرت صاحب الامر علیه السلام هستند، و آنچه موقعیت درخشان و جلوه خاصی دارد، همان شفاعت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم است که شیعیان و مؤمنان را به سرمنزل نجات و علو درجات نایل می‌نماید و با این شفاعت جا دارد که بگوییم:

طوبی که خورد آب ز سرچشمه کوثر فارغ بود از تربیت باد بهاری

امثال شما مؤمنان متعهد را چه حاجتی به شفاعت مثل این بنده حقیر سراپا تقصیر می باشد، که اگر هم از شفاعت به سهمی مفتخرم سازند، آن هم به شفاعتِ محمد و آل محمد صلوات الله علیه و علیهم است.

برحسب احادیث شریفه، در صورتی که موانع شمول شفاعت در اشخاص نباشد، صاحبان درجات عالی و اعلا، از صاحبان مراتب پایین تر و ادنی شفاعت می نمایند. این شفاعت نه فقط در ارتباط با عفو از گناهان است؛ بلکه شامل اخیار محسنین نیز می شود و بر علو درجات و کثرت اجر و ثواب آنها می افزاید.

لذا برحسب اطلاق روایات، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از همه افرادی که مانعی از شفاعت از آنها نباشد، شفاعت می فرماید؛ از عَصاه و گناه کاران امت، از اخیار و صدیقین و شهدا و صالحین و بلکه انبیا و ائمه طاهرین علیهم السلام .

شفاعت از گناه کاران، موجب بخشش و عفو آنان و [شفاعت] از دیگران موجب ارتقای مرتبه و تقرب بیشتر می گردد. به این معنا؛ شفاعت حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام ، همه شخصیت ها و صاحبان مقامات بلند و همه مؤمنین را شامل می شود. و وسایل و اسباب شفاعت از گناه کاران نیز به قدری فراگیر است که حتی نام آنها را نیز فرامی گیرد، و در صورت ضرورت، کسانی که به نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ... نام گذاری شده اند، شفاعت نیز، شامل حال آنها می گردد.

با این همه شفعا، خصوصا شفاعت کبرای حضرت شفیع الامّه بلکه چنان که گفته شد شفیع الانبیاء و شفیع الملائکه، پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و شفاعت اهل بیت آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین و با این همه اجر و ثواب هایی که برای انواع عبادات و طاعات و اعمال خیر و صنوف کارهای نیک و برّ مقرر شده و با اینکه باب توبه مابین مشرق و مغرب باز است و با وسایل دیگری که همه موجب ظهور رحمانیت و رحیمیت و مغفرت و بخشش خداوند متعال است؛ اگر شخصی گرفتار تیه (بیابان) شقاوت و سقوط در هاویه عذاب و هلاکت گردد، به راستی جای تعجب است؛ اگرچه شخصی قلیل المعرفه گفت: «عَجِبْتُ لِمَنْ نَجَى كَيْفَ نَجَى؟!» سخن حقّ و کامل و تمام آن است که امام علیه السلام فرمود: «عَجِبْتُ لِمَنْ هَلَمَّكَ كَيْفَ هَلَمَّكَ؟!»^(۱) زیرا نجات یافتن و سعادت مند شدن، حقّ است و می باید که انسان سعید و رستگار شود و شقاوت و محروم شدن از فیض خدا، باطل و خلاف اصل است.

باید انسان، خود را در مسیر کسب این همه فیوضات ربّانیه قرار دهد و راه های تابش آفتاب رحمت حقّ را بر روی خود نبندد و همواره از اینکه گناه، او را به سیاه چالی بیندازد که بیرون آمدن از آن ناممکن شود، بیمناک باشد و از سوء عاقبت و استدارج، همیشه برحذر باشد.

آیه زیر را که نتیجه استمرار در معاصی و گناه را تکذیب و استهزای به آیات خدا را اعلام می کند، فراموش ننمایید؛ «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا

۱- مجلسی، محمّد باقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۳.

الشُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤُونَ» (۱) تا خود را به سوء اختیار خود، در هلاکت حقیقی نیندازد، نه به رحمت خدا و مغفرت او مغرور گردد و نه از آن مأیوس و ناامید شود.

و به طور خلاصه، در بین تمام عوامل نجات، و اسباب هلاکت و دمار، باید بین خوف و رجا به سوی رضوان خدا و سعادت دنیا و عقبی هشیار و آگاه به جلو رفته، و از شرّ شیطان و نفس اماره، به خداوند متعال پناه ببرد.

«وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره روم، آیه ۱۰؛ سپس سرانجام کسانی که بد عملی کرده بودند، بدتر شد؛ چرا که آیات الهی را انکار و به آنها استهزا می کردند.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است با رهنمودهای حکیمانه خویش، نوجوانان مشرف به تکلیف را راهنمایی فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیز و نوباوگان گرامی که به سن بلوغ و شرف صلاحیت توجه تکالیف الهی و خطابات قرآنی نایل شده اید!

حقیر به شما درک این شایستگی را تبریک می گویم.

توجه داشته باشید! از این تاریخ، شما به عضویت در جامعه اسلامی پذیرفته شده اید که روی اخلاق شما و گفتار شما و نیز کار شما حساب می شود و خداوند به شما نشان و اعتبار عطا فرموده است؛ که در همه آیات «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»^(۱)، به عنوان طرف خطاب و سخن او قرار می گیرید و در جامعه نیز، شما به همان اعتبار مهمی که شرع مقدس ارزش و اعتبار داده، ارزش دارید.

کار و سخن شما که تا پیش از این اعتبار شرعی و قانونی نداشت، اکنون اعتبار شرعی می یابد. تا امروز، دیگران درباره شما تصمیم می گرفتند و صاحب اختیار شما بودند؛ ولی از امروز، دیگر صاحب اختیار خودتان

۱- در قرآن کریم، ۸۸ مرتبه، لفظ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تکرار شده است.

می شوید؛ از امروز محکوم به حکم کسی نیستید، جز به حکم خدا و پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام .

عقاید خود را به توحید، نبوت، امامت، معاد، و کتاب ها و پیمبران گذشته و ملائکه، با دلایل هرچند مختصر و در عین حال قوی و محکم، در ذهن خود حاضر کنید؛ و سعی کنید که به حول و قوه الهی، برای خداوند متعال بنده ای صالح و برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیروی راستین و برای ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین به خصوص صاحب الامر و ولی عصر، حضرت مهدی، حجه بن الحسن ارواح العالمین له الفداء شیعه مخلص و سربازی حقیقی، برای اسلام و قرآن پاسداری امین و برای همه مؤمنین و مؤمنات برادر یا خواهری غمخوار و مهربان باشید؛ و حقوق همگان مخصوصاً حق پدر و مادر و اساتید و علما را رعایت کنید.

کوتاه سخن آن که: خود را به اخلاق کریمه اسلامی آراسته سازید و در نیکی به خلق و قضای حوایج مردم اهتمام نمایید؛ در علم و عمل و کسب معرفت و دانش، هرچه پیش می روید و به هر مقام و درجه ای که می رسید، در آن درجه متوقف نشوید و به کمال بیشتر و مقامات بالاتر نظر داشته باشید؛ از نعمت ها و امکاناتی که برای ترقی دارید، حداکثر استفاده را بنمایید.

از امروز، قدر و ارزش عمر و فرصت ها و دقایق زندگی را بدانید. مبدا بیهوده تلف شود! هریک از شما، چنان بدانید که باید وجود شخص شما برای اسلام و برای امت اسلام، افتخار آفرین و موجب عزت و عظمت گردد.

اوقات خود را به بطالت، سستی، غفلت و خدای نخواستہ اشتغال به مناهی (کارهای حرام) و ملامتی (لهو و لهب) ضایع نسازید.

در جهاد با نفس و هوای نفسانی که جهاد اکبر است، کوتاهی نکنید و سعی کنید بر غرایز خود مسلط باشید.

چنان باشید و چنان بروید که در آینده، از یاد گذشته شاد و خوشحال شوید و سوابق خوب زندگی همیشه موجب اطمینان و آرامش قلب شما باشد.

عزیزان من! تکلیف؛ یعنی این گوی و این میدان، این شما و این همه فرصت های سعادت بخش، این نیروها و استعداد های خداوندی. تکلیف؛ یعنی ورود به دوره سازندگی، خودسازی، مسؤولیت و ورود در امتحانات الهی و سرآغاز آمادگی برای سیر راه تکامل و تعالی. تکلیف؛ یعنی زندگی آگاهانه و خردپسند.

شما خود را برای این زندگی آماده سازید و خود را به هیچ چیز و به هیچ کس و به هیچ قیمت، جز به خدا و به ثواب خدا نفروشید، که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «فَلَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»؛ (۱)

«برای نفس شما قیمتی جز بهشت نیست، جانتان و خودتان را غیر از بهشت، به چیز دیگری نفروشید».

تلاش کنید در هر رشته و شغلی که انتخاب می کنید، برای جامعه عضوی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ به راستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جان هایتان نیست؛ پس جان هایتان را به غیر از بهشت نفروشید.

مفید و امین باشید؛ چنان بدانید که همه به سعی و تحصیل و تلاش شما نیازمندند. باید به سهم خودتان این نیازمندی ها را برطرف نمایید.

خدا را هیچ گاه فراموش نکنید و از یاد خدا و دعا و عبادت، به خصوص نماز و توسل به ائمه هدی علیهم السلام و زیارت مشاهد مشرفه نیرو بگیرید، به سوی سعادت و کمال پیش بروید و به لطف و کمک و مدد خداوند امیدوار باشید که در قرآن مجید می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (۱)

خداوند متعال همه شما را از یاران و سربازان واقعی حضرت بقیه الله الاعظم ارواح العالمین له الفداء قرار دهد و بر توفیقات شما بیفزاید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۹؛ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راه های خاص خویش رهنمون می شویم، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

این جانب از اوایل دوره جوانی، در راه مبارزه با نفس اماره گام برمی دارم؛ ولی گاهی اوقات در این جهاد بزرگ ناموفقم، نفس اماره مرا به کارهای زشت و می دارد و وجدان من نیز پس از ارتکاب گناه بسیار ناراحت و نگران می گردد... تقاضا دارم با کلامی پیامبرگونه، به من پشت گرمی دهید و یارم باشید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَيَّأَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَفَطَمَ نَفْسَهُ عَنِ لَمَذَاتِ الدُّنْيَا، وَتَوَلَّاهُ بِالْآخِرَةِ أَنْ جَزَاءَهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ» (۱).

فرزند عزیزم! نامه شکواییه شما را خواندم. اگر بیشتر مردم، شکایت از دیگران و از جریان های بیرون از خود دارند؛ شما شکایت از خود و درون خود دارید. معلوم می شود با نفس خود و هواهای نفسانی و شهوانی درگیرید، یا به عبارت دیگر: با آنها در جنگ و جهادید و در جهاد اکبر که به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله همان جهاد با نفس است دشمن را قوی پنجه و نیرومند می بینید و از آن بیم دارید که خدای ناخواسته، بر او پیروزی و ظفر نیابید.

۱- صافی گلپایگانی، محمدجواد، گنجینه گهر؛ بهترین امت من کسی است که جوانی اش را در طاعت خداوند صرف کند و نفس خویش را از لذات دنیا بازدارد و آن را در راه آخرت به زحمت اندازد. به راستی که پاداش چنین فردی در نزد خدا، بالاترین درجات بهشت است.

من به شما اطمینان می‌دهم که اگر در برابر این دشمن مقاومت کنید و عرصه را بر او تنگ نمایید و از آغاز به پیشنهاد و خواسته‌های او گردن ننهید، سرانجام بر او غالب شده و او اسیر و رام شما خواهد شد؛ ولی اگر به خواسته‌های او جواب مثبت بدهید، خواهش‌های آن بسیار و بی‌شمار است و هرچه از او فرمان ببرید، او فرمان‌های دیگر و بیشتر می‌دهد و تا شخصیت انسانی و کرامت آدمی را نابود نکند و او را از مقام خود ساقط نسازد، قانع نمی‌شود.

دوران جوانی، دوره و میدان چنین جهاد و پیکاری است و باید شخص اراده، مقاومت و پایداری خود را نشان بدهد. البته همه کس حریف نفس‌آماره نیست، پهلوانان حقیقی می‌توانند در این میدان عرض وجود نموده و جایزه قهرمانی بگیرند.

شما و هر نوجوان و جوانی، خواه و ناخواه، این زورآزمایی و این امتحان بسیار بزرگ را باید بگذرانید، یاد خدا را فراموش نکنید و از او کمک بخواهید که خود وعده فرموده: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ (۱) کسانی که در راه خدا جهاد می‌نمایند، البته خدا آنان را به راهی که به او می‌رسد، راهنمایی می‌نماید و خدا با نیکوکاران است.

این معنویت و روحیه‌ای که دارید که به وضع روحی و درگیری عقل و نفس خودتان متوجه هستید و می‌خواهید که نفس را مغلوب کرده و خود را

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۹؛ و کسانی را که در حق ما کوشیده‌اند، به راه‌های خاصّ خویش رهنمون می‌شویم، و بی‌گمان خداوند با نیکوکاران است.

از آفات هوای نفس سالم نگاه دارید خود مرحله ای از کمال و آگاهی و بصیرت و بینش است. امید است همین آگاهی، شما را از این گرداب که بسیاری از جوانان در آن گرفتار می شوند و از امواج و توفان شهوات نجات دهد. این کار، اگرچه در آغاز دشوار جلوه می کند؛ ولی وقتی انسان با هوای نفس مقاومت نموده و از آن پیروی نکرد، بسیار آسان می شود.

سعی کنید با اشخاص مجرب و مؤمن مجالست کنید؛ در جلسات موعظه و سخنرانی های مذهبی شرکت کنید؛ کتاب هایی مانند معراج السعاده، حياه القلوب و عين الحيات را مطالعه نماييد و با دعا و نيايش به درگاه خدا و خواندن دعای کميل، دعای ندبه توسل به حضرت ولی عصر ارواح العالمين له الفداء خود را برای جهاد با نفس مسلح کنید.

امیدوارم پیروز، سعادت مند و موفق شوید و آینده بسیار روشنی پیش روی داشته باشید. حقیر هم برای توفیق شما و سایر جوانان دعا می کنم و از شما التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است در آغاز سال تحصیلی جدید، دانشجویان و دانش آموزان را با رهنمودهای خویش راهنمایی فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بُغَاءَ الْعِلْمِ». (۱)

دانش آموزان و دانشجویان عزیز، فرزندان اسلام!

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما! که با شور و شوق فراوان از سال فرخنده و مبارک تحصیلی جدید استقبال نموده، و گشایش درهای مدارس و دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت را فتح باب ترقی و تعالی و کمال می دانید.

در حدیث آمده است: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»؛ (۲) یعنی به اخلاق خدا، خود را خلق و خوی دهید و خود را به صفات خداوند آراسته سازید.

در بین صفات خداوند متعال، صفت علم، اشرف صفات و اسم العالم، اعظم اسمای صفاتی است. بیشتر اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به این اسم و اسم القادر و صفت قدرت برمی گردد. بنابراین تزین به زینت و زیور علم و آراسته شدن به این صفت، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزنده تر است.

نشان یافتن و نشان داشتن از خدا، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱؛ به هوش باشید خداوند طالبان علم را دوست می دارد.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۹.

است که مهم ترین و سرآمد آنها علم و قدرت، دانایی و توانایی است. این دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروریه و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست.

هرکجا دانایی باشد، توانایی هست و هرکجا توانایی باشد، دانایی هست. پس در میان آنچه بشر جسته و می جوید و مطالب و خواسته هایی که دارد، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست که هرچه طالب آن، به مطلوب می رسد، باز طلبش بیشتر و به مطلوب واصل تر می شود.

قال مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام: «كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ» (۱)

دانش آموزان و دانشجویان عزیز:

فرصت را غنیمت بشمارید، درس بخوانید تا آگاهی و معرفت پیدا کنید. درس بخوانید تا خودتان و جامعه و اسلام را عزیز و سربلند کنید. درس بخوانید تا خودتان و دیگران را از ظلمت جهالت نجات دهید.

درس بخوانید، برای اینکه مشکلاتی را که در رشته های گوناگون علمی تاکنون لاینحل مانده، حل نمایید و با سرپنجه بینش و دانش، گرده های باز نشده از کار بشر را باز نمایید. درس بخوانید تا دانشمند شوید؛ بفهمید شما از دیگران در استعداد و نیل به مدارج عالیه کمال و معارج سامیه ابتکار و اختراع کمتر نیستید؛ بلکه قوی تر و رشیدترید. در اسباب و وسایل ظاهری، هیچ وسیله ای بر غلبه و پیروزی بر استکبار و استبداد قوی تر از علم نیست.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵؛ هر ظرفی به آنچه که در آن نهند، تنگ گردد؛ مگر ظرف دانش که هرچه در آن نهند، گنجایش بیشتر یابد.

بدانید دنیا و آینده آن برای ملت های عالم و دانا است، و این شما باید ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانید، همت ها را بلند کنید و نیل به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانید.

خدای تعالی به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته، لیاقت تسخیر کاینات زمینی و آسمانی را عطا کرده؛ یا به بیان دیگر: آنها را مسخر او گردانیده است.

به پیش بروید و اسرار کاینات و آیات علم و قدرت خدا را کشف کنید. عزت و قوت و استقلال و هر چیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است، با علم فراهم می شود و ذلت و ضعف و زبونی، نتیجه جهل و ناآگاهی است.

خود را برای اسلام و برای اعتلای کلمه الله و برای حصول اهداف الهی، قرآنی و برای خدمت به محرومان و نجات مستضعفان آماده سازید و هر رنج و تلاشی را که در تحصیل علم متحمل می شوید، با نیت خالص و پاک آن را فی سبیل الله و در راه خدا و راه آسایش خلق خدا محسوب دارید، تا از اجر و ثواب بسیار برخوردار شوید.

بدانید همه در انتظار شما هستند، و خداوند متعال از شما سعی و عمل و مجاهدت می خواهد. اسلام و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله در انتظار تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی، و بعد هم تحقیقات علمی شما هستند. ائمه طاهرین علیهم السلام به خصوص حضرت بقیه الله، امام عصر ارواح العالمین له الفداء از شما انتظار دارند.

نظر تمام جامعه به این مراکز علمی و کلاس های تعلیماتی و درس دوخته شده که شما چگونه عمل می کنید و چگونه تلاش می کنید و چگونه خود را برای خدمت به انسان ها آماده می نمایید؟

مراکزی که در آن آموزش می بینید، آموزگار، دبیر، استاد و مدیر همه باید برای اینکه تحصیلات و زحمات شما بیشترین بازده را داشته باشد، خالصانه مساعدت و کمک نمایند.

سعی نمایید چنان باشید که از فهم و بینش بیشتر و آگاهی زیادتر لذت ببرید. اوقات خود را به بطالت معاشرت های بیهوده و بعضی بازی ها و مسابقات بیهوده، که کمالی از آن نه برای روح و نه برای جسم حاصل نمی شود، و ارزش حقیقی انسان ها را بالا نمی برد، تلف نکنید.

در پی کسب کمالات حقیقی و سیر الی الله باشید.

آیه کریمه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا»، (۱) «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ» (۲) و مضامین بلند تعالیم نورانی قرآن را فراموش نکنید.

از مlahی و مناهی پرهیز کنید و از سرگرم شدن به بازی های وقت بر باد ده خود را دور نگه دارید. بعضی از بازی ها موجب افت تحصیلی جوانان و دانش آموزان می شود، گرچه با نام تقویت فکر و ذهن باشد.

اگر می خواهید در تحصیل کمالات حقیقی موفق شوید و اگر مدرسه و محیط خانواده، علاقه به توفیق شما دارند، همه باید در دور بودن از مlahی و مناهی، با شما همراهی و همکاری نمایند.

۱- سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵؛ آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۶۴؛ این دنیا، چیزی نیست مگر لهو و لعب.

و خلاصه تلاش کنید عمر، وقت، حیات و فرصت هایی را که دارید و همه خواه و ناخواه از دست خواهد رفت، به رایگان با بهای کم از دست ندهید. برای این نعمت های بزرگ الهی، بها و ارزشی غیر از علم و معرفت، رضا و ثواب الهی و سیر الی الله نیست، که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (۱)

خود را متعهد بدانید و متعهد بسازید که از کارهای زشت و ناشایست و حرام اجتناب کنید و واجبات و فرایض را انجام دهید و مخصوصا به نماز، که معراج مؤمن است، اهمیت بدهید. در جمعه و جماعات شرکت نمایید و وقار دانش آموزی و دانشجویی را پاس دارید، و خداوند متعال را در همه حالات فراموش نکنید و درس و تدریس و تعلیم و تعلم را برای رضای او و اتصاف به صفت الهی علم قرار دهید.

از او استعانت و کمک بخواهید، و به مولی الوری، حضرت بقیه الله، مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء متوسل باشید و بدانید وجود مقدس و بزرگوار آن حضرت، که امروز در این عالم، آیتی اعظم و اکبر از وجود او برای خدا نیست، از موفقیتی که نصیب شما می شود، بیشتر مسرور و خوشحال می گردند. همه شما فرزندان روحانی آن حضرت هستید و آن

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند، به اهلش واگذارد. به راستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست؛ پس جانهایتان را به غیر از بهشت نفروشید.

حضرت بیش از هر پدری توفیق فرزند را در علم، و عمل و کسب کمال، دوستدار و خواهانند.

این جانب برای همه، عظمت بیشتر اسلام دعا می کنم و توفیق نظام اسلامی خصوصا مسؤولان محترم آموزش و پرورش و دانشگاه ها و مراکز علمی را برای تعلیم و تربیت جامع و اسلامی مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

مسئله خودکشی در منطقه ما، به خصوص در بین زنان زیاد شده، خواهشمند است نظر مبارک را پیرامون این عمل زشت و عواقب آن بیان فرمایید.

خودکشی از محرمات کبیره و عامل آن، چه مرد باشد چه زن مستحق عقوبت و عذاب شدید الهی است و اگر شخص دیوانه و دچار اختلال حواس نباشد، این گناه علامت ضعف عقیده به مبدأ و معاد و نداشتن صفت صبر و مقاومت در برابر شداید و دشواری های زندگی و نومیدي از خداوند متعال است.

بیشتر افرادی که مرتکب این معصیت می شوند، یا اسیر یک سلسله اوهام و خیالات اند که به خاطر بروز شکست هایی، که در واقع شکست نیست؛ مثل شکست در بازی ها یا بالاتر زناشویی ها و ازدواج ها دست به این عمل نکوهیده می زنند، یا در اثر فشارها و سختی های زندگی خودکشی می نمایند.

به طور کلی، به این اشخاص باید تذکر داد که دنیا همه اش فراز و نشیب و تغییر و تحوّل است، و اشخاصی در زندگی واقعا شکست می خورند که روحیه صبر و مقاومت نداشته باشند و با یک پیش آمد و یک امر ناملایم و ناگوار، روحیه خود را ببازند و خود را بیچاره بشمارند. افراد موفق که بر مشکلات فایق می شوند، به اراده و همت و عزم خود اعتماد دارند و با توکل به

خداوند متعال، در برابر مشکلات صابرند و با قلب محکم و استوار و امید به آینده با هر پیش آمد ناگوار دست و پنجه نرم می کنند.

تاریخ بشر پُر است از فرج بعد از شدت و گشایش و رفاه و توانگری بعد از تنگ دستی و گرفتاری و فقر. مردان و زنان موفق از هیچ حادثه ای تکان نمی خورند و عقب نشینی نمی کنند و به فضل و لطف خدا اعتماد دارند، و این آیه را با مضمون بلند آن، همواره به خاطر دارند که: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (۱) آسانی ها از میان دشواری ها رح می دهند و روشنایی ها بر تاریکی ها غلبه می یابند.

باید این افراد را به صبر سفارش کرد که صبر در ایمان، به منزله سر در جسد است. (۲) امید است این نصیحت در قلوب، مؤثر و نافع باشد. و الله العالم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره انشراح، آیات ۵ و ۶؛ بی گمان در جنب دشواری، آسانی است. آری، در جنب دشواری آسانی است.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۲؛ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارك آيت الله العظمى صافى گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است برای تمامی جوانان ایران نصیحتی فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب عالی و همه جوانان عزیزى را که قلوب آنها به نور اسلام منور شده است، وصیت می کنم به تقوا و آداب و دستورات دینی، و اینکه در تمام مراحل زندگی، دین خود را فدای چیزی ننمایید که خسارت می بینید؛ بلکه همه چیز خود را فدای دین بنمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافى

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است این جانب را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد، رهنمون شوید.

با اعلام وصول مکتوب شریف متضمن درخواست نصیحت، و نظر به اینکه: حقّ مؤمن بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برای اوست؛ تذکرات ذیل را تقدیم داشتم، امید است به حکم «فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (۱) مقبول و نافع شود.

بهترین مطلبی که خودم و شما و همه برادران و خواهران ایمانی را بدان نصیحت می کنم، تقوا و پرهیزکاری است؛ «فَإِنَّهُ خَيْرٌ ما أَوْصَى بِهِ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ». (۲)

به شما رهرو جوان مؤمن نصیحت می کنم قدر نعمت گران بهای جوانی را بدانید و توان و فرصتی را که خداوند متعال جلّت حکمت به شما عطا کرده، غنیمت بشمارید و بیشترین استفاده را از این دور و روزگار طراوت و نشاط زندگی بنمایید.

برحسب وصیت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جناب ابی ذر رضوان الله علیه

۱- سوره ذاریات، آیه ۵۵؛ همانا اندرز مؤمنان را سود دهد.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳؛ پس به راستی این [توصیه به پرهیزکاری] بهترین اندرزی است که مسلمانی به مسلمان دیگر نماید.

پنج چیز را پیش از پنج چیز باید غنیمت شمرد، که اول: جوانی پیش از پیری است؛ «شَبَابُكَ قَبْلَ هَرَمِكَ» (۱). سعی کنید در ایام جوانی بر خود مسلط باشید و خشم، شهوت و هواهای نفسانی را ذلیل و رام خود کنید.

دوره جوانی، دوره سعی در عمل، ساختن شخصیت و ظهور استعدادات و فرصت بزرگ برای نیل به کمالات و ارتقای درجات است.

دوره رشد قوای ملکوتی و عقلانی و قوت تمایلات حیوانی است.

دوره جهاد، سیر، حرکت و صعود یا سقوط است؛ منتهی الیه این سیر، سعادت یا شقاوت، نعیم و رضوان یا جحیم و خسران است.

باید چنان رفت و چنان بود که این سیر، سیرِ اِلَى اللَّهِ و به سوی خدا، ثواب خدا و سیرِ رَهِبِ اللَّهِ و از خدا، صدیقین و صلحا باشد.

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (۲).

خود را در معرض ورزش نسیم های توفیق قرار دهید و با جهاد با نفس که جهاد اکبر است، توفیقات و هدایت های الهی را کسب نمایید.

فقد قال عز اسمه: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (۳).

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۷.

۲- سوره نساء، آیه ۶۹؛ و کسانی که از خداوند و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی اند که خداوند بر آنان انعام فرموده است؛ اعم از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان، و اینان نیک رفیقانی هستند.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۶۹؛ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند، به راه های خاص خویش رهنمون می شویم، و بی گمان خداوند با نیکوکاران است.

و خود را از خطر آلودگی به موجبات خذلان، و وقوف یا بازگشت به عقب دور نگه دارید.

برخی از اسباب خذلان را که در این جمله های شریفه دعای ابی حمزه ثمالی بیان شده، بخوانید و به خدا از آنها پناه ببرید؛
 «سَئِدِي! لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا
 عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَادِبِينَ فَرَفَضْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي
 مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي، أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفٍ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيَّنْتَنِي
 وَبَيَّنَّهُمْ حَالِيَّتِي...» (۱)

این امور و کارهای مشابه آنها، همه از اسباب سلب توفیق، بُعد از خدا، تاریکی قلب و مفساد دیگر است که باید از آنها دوری
 جست و خطر آنها را بزرگ شمرد.

استخفاف به حقّ خدا و سبک گرفتن اوامر و نواهی خدا، اعراض از یاد او، ترک شکر نعمت های الهی، ترک مجالست با
 علما، همنشینی با اهل بطالت، غفلت و لهو و لعب، همه از موانع کسب درجات معنوی و فیوضات حقیقی است.

یکی از علایم توفیق و آگاهی و بیداری شخص، همین حال نیک و شایسته نصیحت خواهی است.

خداوند بر این بینش و رشد و درک معنوی شما بیفزاید. خدا را برای داشتن این حال شاکر باشید. هیچ گاه از حال نفس خود و تهذیب و تکمیل اخلاق خود غافل نشوید. بر تلاوت قرآن مجید مداومت نمایید و حداقل، بخش هایی از آن را در معارف و الهیات و معاد و اخلاق حفظ کنید. با یاد خدا، خیالات شیطانی را که امید است بر شما چیره نشود، از خود دور سازید؛ «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (۱).

حال که توفیق دانش آموزی دارید، در تحصیل علم، مقامات بسیار بلند علمی را وجهه همت قرار دهید و برای شرف و فضیلت علم و برای اینکه در جامعه مسلمانان، عضوی مفید و مصدر خدمات بزرگ شوید و مسلمانان را از بیگانگان بی نیاز سازید و به خود کفایی برسانید، هرچه توان دارید، تلاش کنید.

همیشه و همواره چشم به راه ظهور و منتظر فرج حضرت صاحب الامر، بقیه الله ارواح العالمین له الفداء باشید و موجبات مسرت خاطر انور ایشان را، که فوز اکبر و افضل است، فراهم سازید.

در پایان، از خداوند متعال برای شما توفیق و تسدید (امداد غیبی) و سعادت دنیا و آخرت را مسألت می نمایم و التماس دعا دارم.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- اعراف، آیه ۲۰۱؛ پرهیزگاران هر گاه خیالی شیطانی عارض شان شود، یاد [خدا] کنند، و آنگاه دیده ور شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است نصیحتی برای جوانان مرقوم فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که در هر زمان و به خصوص در این زمان، دعوت های باطل فراوان و وسایل گمراهی بسیار است. بنابراین مراقب باشند تحت تأثیر کارهای باطل قرار نگیرند؛ بدانند یگانه دعوتی که باید با تمام وجود به آن لبیک گفت، دعوت کسانی است که اعلم و اعقل همه مردم بوده و سوابق و تاریخ زندگی آنها، از آغاز تا پایان در کتب معتبره مضبوط است، و آنان حضرات ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین هستند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

اشاره: دکتر مرتضی صافی، فرزند حضرت آیت الله العظمی صافی مدّ ظلّه العالی به عنوان نفر ممتاز دکترای قلب در ایران، جهت تکمیل تحصیلات به کشور انگلستان اعزام شد. و دو سال بعد، پس از کسب فوق تخصص قلب و عروق، به کشور بازگشت و هم اکنون، عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران بوده و در بیمارستان شهید مدرس تهران، مشغول فعالیت است.

دو نامه ای که در ذیل می آید؛ نامه اول خطاب به دکتر صافی، و نامه دوم خطاب به همسر و فرزند ایشان، هنگام حرکت به لندن، با عنوان "سراهی" آنان نگاشته شده و متضمن نکات ارزشی اخلاقی فراوانی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَقُلْ اِعْمَلُوا فَاَسْبِرِي اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُوْنَ». (۱)

فرزند بسیار عزیزم و نور چشمانم! مرتضی جان! اکنون که به حول و قوه الهی، برای ادامه تحصیلات عازم سفر خارج می باشی. امیدوارم از انواع توفیقات بهره مند شوی و وجهه همتت را هم از جهت صورت و هم از جهت معنا بلند و عالی و متعالی قرار دهی.

از جهت صورت، نیل به عالی ترین مقامات علمی را هدف بدانی و از

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۵؛ و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند گریست.

جهت معنا، این سفر را یک سفر الهی و برای خدا قرار دهی که هرچه درس بخوانی و هرچه تلاش کنی و هرچه بیشتر تحقیق نمایی، همه را به حساب خدا و حسنات نامۀ اعمال تو محسوب سازند.

سفر به این نیت، که با کسب معلومات در طریق خودکفایی امت اسلام و جامعه مسلمین و بی نیازی آنها از کفر و خدمت به مسلمانان گام برمی داری، بسیار مقدّس و عبادت است.

سرّ انحطاط ظاهری کنونی مسلمین، عقب ماندن آنها در علوم مادّی و ظاهری از بیگانگان است، چنان که علّت برتری جویی کفار بر مسلمانان نیز، پیشرفته بودن آنها در این علوم است.

اگر جوانانی که به خارج می روند، به این فکر باشند که باید این قلعه های مادّی و تکنیک را فتح کنند و هر کدام برای عالم اسلام، افتخار و مایه سربلندی و بی نیازی از دیگران شوند، یقیناً این وابستگی و احتیاج کنونی برطرف می شود و مسلمانان به استقلال علمی نایل می گردند.

چرا نباید تو و امثال تو در رشته های مختلف علمی در دنیا سرشناس و مشهور باشید. با اینکه در استعداد و هوش سرشار، اگر از دیگران قوی تر نباشید، ضعیف تر نیستید. غرض این است که همواره یادت باشد برای چه و به منظور تقدیس و کسب چه رتبه والایی سفر کرده ای! خدا ناظر بر تو است. از او کمک بخواه و به او توکل و اعتماد کن!

مبادا مظاهر مادّی آنجا، فکر تو را مشغول سازد و از راهت بیرون براند که خدای نخواستہ صبح کنی در حالی که از آنچه می خواستی دستت پر شود، با دست خالی برگردی!

آنجا اگر وسایل تحصیل فراهم است، وسایل بازداشتن انسان از مسیر راه کمال و سعادت نیز بسیار است و مرد می خواهد که در دام این ملهیات (اسباب لهو و لعب) نیفتد و نیک بختی خود را به آن نفروشد.

در تعهد دینی خود و ولایت اهل بیت علیهم السلام ثابت قدم باش و هر کس را در این راه، آزموده و پخته شناختی، با او باب مصاحبت و دوستی باز کن! در مجالسی که در مجامع اسلامی یا جاهای دیگر تشکیل می شود، خالصانه و بی ریا برای کسب فیض و زنده نگه داشتن تعهدات مذهبی شرکت نما و آن مجالس را بزرگ شمار و قدر بدان!

خلاصه، چنان فرض کن که همه در انتظار تو هستند. کلّ جامعه مسلمانان منتظر نتیجه تلاش تو و امثال تو هستند. دوستان و آشنایان همه منتظرند. خویشاوندان تو، پدر و مادرت، همه منتظر و چشم به راهند. بیماران همه منتظرند. همه این امور را فراموش نما و از هر زحمت و کوشش، در راه موفقیت علمی استقبال کن و اگر ناملایماتی در خلال کار پیش آمد، اعتنا نکن که (رنج راحت بدان چه شد مطلب بزرگ).

شکیبا و ثابت قدم و استوار دنبال کار خودت باش که ان شاء الله تعالی شاهد توفیق را در آغوش بگیری.

سختی های کار و هر فشاری را در این طریق می بینی، به حساب خدا محسوب دار و از ضعف و سستی و ناامیدی پرهیز کن!

تا می توانی نام خدا بر زبان آر و از ذکر خفی و یاد قلبی نیز غافل مباش، و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام به خصوص حضرت بقیه الله ارواحنا

فداه را فراموش نکن و تحصیلات را برای بهتر و بیشتر خدمت کردن به آن حضرت و شیعیان آن بزرگوار پرمایه و پرمحتوا ساز.

اگر بعضی از کسان و خویشان، زر و زیوری برای "سر راهی" به شما تقدیم کرده اند، من هم این چند کلمه را به عنوان "سر راهی" به شما می سپارم، امید است قبول نمایی.

چون با حال کسالت، مجال بیش از این نیست، امید است "تو خود حدیث مفصل از این مجمل بخوانی". تو را به خدا سپردم و از خدا برایت سعادت دارین و توفیق مسألت می نمایم.

این چند کلمه را نیز به عنوان "سر راهی" برای بانوی محترمه عزیز ... خانم و نور چشم عزیزم "نرگس جان" می نویسم. امید است شما و مرتضی در این سفر تندرست و سالم باشید و با موفقیت و نیل به مقاصد عالیه مراجعت کنید.

عزیزانم! آن شهری که می روید، پر است از فساد و تباهی و فسق و فجور؛ اگرچه داد از انسانیت می زنند؛ ولی شرف واقعی انسان در آنجا پایمال هوی و هوس و شهوات حیوانیت است. زندگی بیشتر آنها، به زندگی دام هایی شبیه است که در دام خانه هایی منظم و مدرن زندگی می کنند؛ ولی از انسانیت و لذایذ معنوی بهره ای ندارند. شما سعی کنید اخلاق و تربیت خودتان را محکم نگاه دارید و استقلال اسلامیت خود را حفظ کنید.

بسیاری از ایرانی ها در آن محیط ها زود رنگ عوض می کنند و اروپایی می شوند و فراموش می کنند که مسلمان اند؛ زن هاشان چادر را که در اینجا لباس محرمی است، کنار می گذارند. این در حالی است که هندی ها، پاکستانی ها و آفریقایی ها بیشتر هویت خود را حفظ کرده اند و از اینکه هندی یا پاکستانی باشند، یا از اینکه با چادر و لباس محلی خودشان ظاهر شوند، هیچ احساس حقارتی نمی نمایند و سرفراز و بااعتبار در خیابان ها ظاهر می شوند.

به هر حال، زندگی، همه اش جهاد است و همه جا باید جهاد کرد؛ درس خواندن جهاد است؛ چادر و پوشش اسلامی داشتن جهاد است؛ در مجالس آن چنانی نرفتن جهاد است؛ جهاد، جهاد، جهاد.

امید است هر سه شما در همه جهادها پیروز باشید و نرگس جان کوچولو هم با چادر کوچکش، نمونه ثبات و استقامت و پای بندی به شعایر اسلامی باشد. خلاصه هر چه آنجا شرعا خوب است، فرا بگیرید و هر چه شرعا بد است، از آن دوری اختیار نمایید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

فصل دوم: تعلیم و تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

مدیر یکی از دبیرستان ها و آموزشگاه های اسلامی، در حضور همگان، مدام لفظ رکیک و قبیح "خفه شوید" را به کار می برد. با توجه به اینکه چنین لفظی، طاغوتی و ضدّ قانون است، نظر شرع مقدّس اسلام چیست؟ وظیفه دانش آموزان و مسؤولان چیست؟

تعلیم و تعلّم، یاد دادن و یاد گرفتن علم در اسلام، مورد تشویق و تأکید فراوان قرار گرفته، و اساس ترقی و تعالی و تکامل جامعه است، و حقّ معلم و کسی که به انسان عملی را آموخته باشد یا او را به راه نیک خیر و صوابی راهنمایی کرده باشد، بسیار بزرگ است و مثل حقّ پدر، رعایت آن لازم است.

دانش آموزان باید در احترام معلم، تا می توانند اهتمام کنند، و حتی اگر از او برخورد خلاف آداب دیدند، تحمل نمایند.

وظیفه معلم و استاد هم، این است که با دانشجو و دانش آموز، با حلم، بردباری، مهر و رأفت رفتار نماید، از لغزش و خطای آنها چشم ببوشد و با زبان نرم و ملاطفت، اشتباهات آنان را تذکر دهد.

رابطه شاگرد و استاد، رابطه ای معنوی است که هیچ گاه فراموش نمی شود. در حدیث نیز آمده است: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَلِمَنْ يُعَلِّمُونَهُ» (۱).

۱- مشکاه الانوار، ص ۱۳۸؛ در برابر آنانکه علم را از آنها فرامی گیری و نیز آنها که دانش می آموزند، تواضع کنید.

این حدیث هم توصیه به شاگرد است که با فروتنی و تواضع، استاد را احترام و تکریم نماید و هم تعلیم به معلم است که با مهر، محبت و تواضع شاگرد را به فراگرفتن علم و دانش تشویق نماید تا رغبت و میل دانشجو به تحصیل علم و معرفت بیشتر شود و با اشتیاق، هر جا اشتباهی دارد، به معلم مراجعه نماید.

امّا در پرسش مذکور، وظیفه دانش آموزان این است که: طوری رفتار نمایند که موجب خشم معلم نشود و در مقام تلاقی نسبت به معلم برنمایند، و «جور استاد، به ز مهر پدر» را مراعات نمایند. وظیفه مدیریت آموزشگاه و مسئولین، نیز اشراف بر جریان وضع تعلیم، تدریس اخلاق و رفتار معلمان، اساتید و کلیه امور آموزشگاه است که اگر از این گونه بدزبانی ها و نواقص و برخوردهایی که در روحیه دانش آموزان و اخلاق آنها اثر می گذارد، مشاهده شود، معلم را به طور خصوصی، نه در برابر دانش آموزان، نسبت به انعکاس سوء این برخوردها تذکر دهند و او را به حُسن اخلاق، عفت زبان و حفظ شأن معلم توصیه نمایند و محیط آموزشگاه را از این نواقص مصونیت دهند.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

خواهشمند است در اولین سال تدریس این جانب و اشتغال به شغل معلّمی، که شغل انبیای الهی است، با رهنمودهای ارزنده خود، مرا دل گرم سازید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با تقدیر از حسن نیت و توجهی که به قداست شغل خود، در آغاز شروع به آن دارید، از خداوند مسألت می نمایم که ابواب توفیق را بر روی شما مفتوح و در زیر سایه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه موفق و از یاران و خدمت گزاران حضرتش باشید.

شغل شریف معلّمی از مشاغلی است که عقل و شرع بر احترام آن اتفاق دارند و علوّ منزلت و رتبه معلم در بین تمام ملل و امم همواره مورد تصدیق و تأیید بوده و هست.

خداوند متعال طبق فرموده خود، در قرآن مجید، معلّم کلّ انسان ها و معلّم آدم ابوالبشر و معلّم حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله است و تمام ممکنات، زیر پوشش تعلیم و تربیت تکوینی، تشریحی و فطری او قرار دارند.

انبیای عظام یکی از بزرگ ترین وظایف شان، تعلیم و تربیت است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله معلم کتاب و حکمت بود، که فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (۱).

امیرالمؤمنین و سایر ائمه اطهار سلام الله علیهم مظاهر صفت تعلیم

۱- سنن دارمی، ج ۱، ص ۱۰۰؛ تنها برای تعلیم برانگیخته شدم.

و تربیت جامعه الهیه هستند. مدرسه تعلیم و بیان علوم و معارف و احکام آن بزرگواران، از همان صدر اسلام گشایش یافت و تا به امروز، یگانه مدرسه جهانی است که هزاران معلم در آن پرورش یافته و در اطراف و اکناف جهان، شهر و روستا، مساجد و حسینیه ها، منازل و مدارس، شغل مقدّس آموزگاری دارند.

در ایام محرم و صفر، در سراسر عالم اسلامی به خصوص کشور عزیزمان، مجالس سوگواری و عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام برپا است و همه مدارس تعلیم و تربیت از برکت وجود پربرکت ایشان می باشد. در مسجد مدینه، عالی ترین حلقه درس را داشت که خود آن بزرگوار، مدرّس و معلّم آن بود و صحابه و تابعین، افتخار شاگردی و کسب علم را در آن داشتند.

بدیهی است که مقصود از تعلیم و معلّم، تعلیم علوم مشروع و معلّم کمالات مفید است. معلّم قرآن، معلّم احکام، معلّم اخلاق، معلّم اعتقادات و اصول دین، معلّم خطّ و نگارش، معلّم تاریخ و سرگذشت عبرت انگیز گذشتگان، معلّم علوم ادب، معلّم علوم پزشکی، معلّم فیزیک، شیمی، ریاضیات، هیأت و نجوم، معلّم انواع صنایع، معدن شناسی، زمین شناسی، گیاه شناسی و ... همه فضیلت دارند، و تعلیم همه را می توان به عنوان خدمت به جامعه و عزّت و شوکت اسلام و مسلمین و رفع نیاز از بیگانگان، برای کسب ثواب و رضای خداوند متعال انجام داد.

در صورتی که معلّم با این شعور و ادراک عالی و هدف مقدّس، به تعلیم این علوم پردازد، هیچ یک از متاع های دنیوی را نمی توان با ارزش کار او برابر شمرد. و هرچه خلوص نیت معلم، در این راه بیشتر و اهتمام او در تربیت افراد مفیدتر و کامل تر باشد، ارزش معنوی کار او بیشتر می شود.

در مدرسه تعلیم امام جعفر صادق علیه السلام که هزاران شاگرد، از علما، محدّثان، مفسّران و متخصصان در علوم متنوع تربیت شده اند، فردی مانند جابر بن حیان بوده است که او را پدر علم شیمی لقب داده اند و صدها کتاب در رشته های مختلف تألیف کرده است.

در جامعه اسلامی، وقتی سخن از تعلیم و معلّم و شأن و مقام معلّم به میان می آید، تعلیم و تعلّم در رشته های مذکور است، هرچند تعلیم علوم اسلامی و علوم قرآن و شرعیات را موقعیتی خاص است؛ امّا همه این علوم برای رسیدن به کمال دین و آخرت و نظام معاش و معاد و نفی فقر و جهل لازم است. و از طرفی دیگر، معلّم در همه این رشته ها می تواند در ضمن تدریس، با طرح مثال های مناسب، دانش آموزان را با اسلام و معارف حقّ اهل بیت علیهم السلام آشنا سازد. شغل معلّم فرصت بسیار خوبی برای او است که دانش آموزان را به راه راست اسلام هدایت نماید، و بالعکس، چنانچه خدای ناکرده، معلّم متعهّد نباشد و سلامتی اخلاقی و عقیدتی نداشته باشد، در هر رشته ای که تدریس کند، ممکن است بر افکار و عقاید و اخلاق دانش آموزان اثر سوء بگذارد.

در این میان هم، رشته هایی از آداب و فنون فسادانگیز می باشد که آموزش و تعلیم آنها جایز نیست و حساب معلمان حقیقی، که با انبیا و ائمه علیهم السلام همکاری دارند و از مکتب آنها الهام می گیرند، از کسانی که به آموزش این فنون مبتذل و حرام، عمر خود و دیگران را ضایع می نمایند، جدا است.

امید آن که مؤسسات تعلیم و تربیت ما، در مسیر احکام نورانی و هدایت تعالیم قرآنی، جامعه را به رشد و ترقی برسانند و معلمان عزیز، این وظیفه بزرگی را که به عهده گرفته اند، به خوبی ایفا نموده، و سرافراز و سربلند، در

زمره پاسداران ارزش های اسلامی و منتقل کنندگان معارف دین و حقایق به نسل های بعد محسوب گردند.

عرض نصیحت من به معلّمین بزرگوار و محترم، به خصوص عزیزانی که آغاز افتخار آنها، به کسب عنوان معلمی است، این است که: اهتمام داشته باشند تا کار خود را برای خدا و در راه خدا قرار دهند و با دانش آموزانی که در کلاس آنها هستند، با کمال مهر و محبت و فروتنی رفتار کنند؛ مسؤولانه در کلاس حاضر شده و از امانت هایی که به آنها سپرده می شود، خوب نگهداری کنند که عمر و وقت آنها نه فقط به خودشان، بلکه به کلّ جامعه مربوط است تلف نشود.

بدانند اخلاق، آداب، روش و گفتار و کردار معلم، حتی ظاهر لباس و سر و صورت او، بر دانش آموز تأثیر می گذارد و بعد از خانه و محیط منزل، یا مهم تر از خانه، محیط انسان ساز، مدرسه و کلاس درس و اخلاق معلم است. «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا» (۱).

با توجه به این مسؤولیت ها، کلاس درس، کلاس عبادت خدا و درس معلم، عبادت و سرتاسر شغل او عبادت است.

گوارا باد بر شما و بر افرادی که چنین افتخاری را کسب کرده اند.

«يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَكُمْ فَنَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا».

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره اعراف، آیه ۵۸؛ و زمین پاک، گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آنچه پلید است جز [حاصلی] ناچیز برنیاورد.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

بهترین خودسازی، برای آدمی چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

بهترین خودسازی، عمل به دستورات شرع است که حداقل آن، انجام واجبات و ترک محرمات است و کامل تر آن، انجام مستحبات و ترک مکروهات می باشد؛ چون معنای خودسازی، عمل نمودن به نحوی است که تضمین کننده سعادت انسان، از آن جهت که انسان است، باشد و هیچ کس جز خدای رب العالمین، که خالق انسان است، قدرت ارائه طریق پیمودن راه انسانیت را ندارد.

بهترین راه برای طرد شیطان چیست؟

بهترین راه برای طرد شیطان، تأمل نمودن در مقطع استثنایی و مهم زندگی دنیا است که یک مرتبه بیشتر نیست و هر کاری انسان انجام دهد، در همین مقطع است، با توجه به آنچه انسان در پیش دارد و ائمه علیهم السلام خبر داده اند. البته در یاد خدا بودن، خواندن ادعیه و اذکار با توجه به معانی آنها نیز مؤثر است.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

مراحل رسیدن به کمال انسانی چیست؟ راهنمایی فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

رسیدن به مراحل کمال انسانی، نسبت به اشخاص متفاوت است؛ چون استعداد، قابلیت ها و میزان استقامت و تحمل محدودیت ها در افراد، تفاوت ذاتی و فطری دارد و هرکسی به مقدار قابلیت فطری خود، قدرت تحصیل کمال را داراست. به هر حال، هرکس به مقدار خود، اگر بخواهد کامل شود، باید مراحل را طی کند.

اولین مرحله این است که: با تأمل در ادله خداشناسی که در کتب مربوطه ذکر شده، اوصاف خداوند را بشناسد و واقعا درک کند که خداوند، عالم به احوال عبد و محیط به تمام وجود او است؛ «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (۱).

این شناخت، عبد را وادار به تحصیل و دانستن موارد رضای او می کند و آن امر ممکن نیست، مگر به شناختن کسانی که خداوند آنها را حجت و واسطه فیض بین خود و بندگانش قرار داده است؛ زیرا آنها موارد رضا و سخط خداوند را می دانند. و جز آنها، هیچ کس نمی داند چه اموری موجب رضای خدا و طاعت او و چه چیزهایی عصیان و مخالفت اوست. این

۱- سوره غافر، آیه ۱۹؛ [خداوند] خیانت چشم ها و آنچه دل ها پنهان می دارند را می داند.

بزرگواران نظر به قابلیتی که دارند، خزاین علوم الهی و امنای خداوند هستند و هرچه انسان بیشتر تأمل در اخلاق، حالات، اعمال و بیانات آنها کند، معرفتش به خود آنها و به خداوند بیشتر می شود.

و بعد از حصول این معرفت، در صورتی که توأم با تبعیت از حجت های الهی در همه امور باشد و در محدوده دانستن و شناخت، تنها متوقف نشود، حصول شناخت کامل و نهایی نسبت به خداوند و حجج الهیه؛ یعنی حضرات پیغمبر اکرم و ائمه اثنی عشر علیهم السلام و در یاد خدا بودن و حبّ شدید به او و خوف و رجا و خلوص و بی اعتنایی به مظاهر دنیوی، هرچه که باشد، قهری است و اگر منفک از تبعیت و تقوا و فقط شناخت علمی باشد، موجب دوری از خدا و شقاوت و قساوت و عاقبت به شر شدن خواهد بود و این اشاره اجمالی در این زمینه است.

وَفَقَّنَا اللَّهُ مُؤَايَاكُمْ لِمَعْرِفَتِهِ تَعَالَى وَمَعْرِفَهُ أَوْلِيَائِهِ وَجَعَلَ زَادَنَا التَّقْوَى وَالْخُلُوصَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صِلَاةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

این جانب قبل از ازدواج، علاقه فراوانی به موسیقی داشتم و بدحجاب بودم. اما بعد از ازدواج، با یاری خدا و کمک شوهرم، هم موسیقی و هم بدحجابی را کنار گذاشتم و قرآن خواندن را تکمیل کردم؛ ولی هنوز شیطان مرا رها نمی کند و من هم آدمی سست و بی اراده هستم، گاهی نماز می خوانم و گاهی نمی خوانم، همه اینها باعث می شود خودم عذاب وجدان داشته باشم و ناراحت باشم؛ ولی نمی دانم چه کنم که اراده و ایمان محکم داشته باشم و شیطان سراغم نیاید؟ خواهشمند است راهنمایی فرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

موسیقی را برای همیشه کنار بگذارید. نمازتان را حتما بخوانید و آنچه را که فوت شده، قضا نمایید؛ در روایت وارد شده است: «کسی که عمدا نماز را ترک کند مانند کافر است» (۱).

چنانچه خوب تأمل کنید و عظمت خداوندی، رسیدن مرگ و تحت محاسبه الهی قرار گرفتن و نیز ثواب های عظیم در برابر اطاعت فرمان خداوند را مدّ نظر قرار دهید، ان شاء الله شیطان شما را رها می کند؛ ولی باید

۱- ابن ابی جمهور، احسائی، عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۲۲۴؛ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ.

بدانید که انسان هیچ گاه از مکر شیطان و وسوسه های نفسانی خلاص نمی شود، مگر اینکه ایمان و معرفت او کامل شده باشد. تکمیل معرفت و ایمان حاصل نمی شود، مگر با تعقل و تفکر در عظمت خداوند و عجز انسان در برابر قدرت او و یقین به حتمی بودن و حق بودن عذاب و ثواب و فنای دنیا و همراه این تفکرات، تقوا، اطاعت اوامر و نواهی الهی.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

نظر شما یا حکم شرع درباره معاشرت با دوست و رفیق چیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم

در معاشرت و هم نشینی، که در ساختن شخصیت انسان بسیار مؤثر است، باید دقت کامل شود که با اشخاصی معاشرت کند که از معاشرت با آنها، بهره های روحانی و معنوی ببرد.

مجالست با حضرات علمای اعلام، اهل تقوا و پارسایی، مردمان آزموده و سالخورده و باتجربه و باسابقه در اسلام، موجب رشد عقل و دین و ایمان می شود؛ چنان که هم نشینی با مردم فاسق، بدکار، بداخلاق و غیر متعهد به تکالیف دین و فاقد حیای اجتماعی، به خصوص بدعت گزاران و کسانی که انحرافات فکری دارند، بسیار بسیار مضر است و خطر آن برای روح و معنویات انسان، بسیار زیاد است. باید از حضور در مجالس چنین اشخاصی و جلسه های لهو و لعب به شدت پرهیز نمود. و بالعکس، مجالس وعظ، سخنرانی های مذهبی، محضر علما، محافل دعا، تلاوت قرآن، ذکر مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام را غنیمت شمرد و اصولاً چنان که فرموده اند: «يُعْرِفُ الْمَرْءُ بَجَلِيسِهِ»؛ هرکسی از هم نشینان و معاشرین او شناخته می شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارك آيت الله العظمى صافى گلپایگانی (دامت برکاته)

یک جوان چگونه می تواند با خدای تعالی و ائمه معصومش عليهم السلام رابطه برقرار کند؟ و در هنگام بروز ناامیدی، چه باید کند؟

رابطه برقرار کردن هر مسلمان، جوان باشد یا پیر، با خداوند متعال و ائمه اطهار عليهم السلام به این است که: در جمیع شؤون زندگی، به فرمایشات آنها آن چنان که شایسته است عمل نماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

جوانان در حالی که شب و روز به زندگی دنیوی مشغول هستند، در باطن ذات و نفس خویش، نیز زندگی [مرموز و] پوشیده ای دارند. و گرچه در ظاهر توجهی به آن زندگی ندارند و آن را به کلی فراموش کرده اند؛ لیکن با داشتن روح و افکار و عقاید حقه، اخلاق پسندیده و اعمال شایسته می توانند سبب استكمال و ترقی روحانی خود گردند و سعادت و کمال خود را فراهم سازند. و این در حالی است که اکثر جوان ها با عقایدی باطل و اخلاق زشت و اعمالی [ناشایست] باعث نقصان، شقاوت و انحراف نفسانی خود شده اند و به آن مشغول هستند.

به عقیده من، باید این قشر از افراد را راهنمایی کرد و آنها را در صراط مستقیم تکامل بخشید تا جوهر ذات و حقیقتشان پرورش و تکامل یافته و به عالم روحانیت صعود و رجوع پیدا کنند، و اگر آنها تمام کمالات روحانی و اخلاق پسندیده انسانی را فدای ارضای قوای حیوانی کنند و اسیر خواسته های نفسانی شوند، به صورت حیوانی هوسران، کام جو و یا دیوی درنده و خون خوار در می آیند. چنین کسانی از صراط مستقیم تکامل انحراف یافته و در وادی های هلاکت و شقاوت سرگردان خواهند شد.

هم اینک، حتی دانش آموزان محصل دختران و پسران در مدارس راهنمایی، نه دبیرستان[ها] و نه دانشگاه ها، در وادی های هلاکت و شقاوت سرگردان اند. عده معدودی نیز که در این مسیر قرار نگرفته اند، سعی دارند جوهر ذات و انسانیت شان را کامل کنند و از صراط مستقیم انسانیت به عالم سرور و منبع کمالات رجوع کنند؛ ولی متأسفانه تحت تأثیر آنهایی که راه مستقیم دیانت را فراموش کرده اند و از پیمودن صراط دقیق انسانیت عاجز شده اند، قرار گرفته و جز زندگی سخت و سقوط در هاویه جحیم سرنوشتی نخواهند داشت.

ما از بسیاری رویدادها غافلیم، غالب انحرافات و نزاع هایی که در بین نوجوانان این مرز و بوم به وجود می آید، در پرونده های دادگستری بایگانی می شود و تا زمانی که به قتل منجر نگردد، به روزنامه ها سرایت نمی کند. و اگر هم به قتل منجر گردد، بسیاری از روزنامه ها منتشر نمی کنند. پس باید هوشیار و کنجکاو باشیم و حداقل به کسانی که در این مسیر قرار نگرفته اند و یا سست اراده هستند، از راه معنویت کمک کنیم؛ چون آنچه مسلم است و انحرافات جنسی را افزایش می دهد، فقدان معنویت است.

مشکل اصلی ما در این است که فقط به خودمان توجه می کنیم؛ باید افکار خودمان را، نظریات خودمان را فراتر از محدوده خود قرار دهیم؛ هنگامی که معنویت در محیطی کم شود یا رو به سقوط

رود، به تدریج مفساد اجتماعی و در رأس آن انحرافات جنسی در آن محیط افزایش می یابد.

به طور کلی، عدّه ای از نوجوانان که راه حقّ و ایمان را دوست دارند، راز و نیاز با معبود خود را دوست دارند و از این گونه بی حجابی ها و خودنمایی ها ناراحت می شوند، وقتی در جوی نامناسب قرار می گیرند، در محیطی که هر نوجوان دختر و پسری با فردی از جنس مخالف دوست است و مدام با او در ارتباط است، قرار می گیرند، تحت تأثیر رفتار این گونه افراد قرار گرفته، و مسیر انحرافات را پیشه خود می گردانند. کسی هم پیدا نمی شود و به کسی هم اطمینان پیدا نمی کنند که با او مشورت کنند و راه صحیح را از او طلب کنند (حتی با پدر و مادر خود).

و بالاخره من، پس از سال ها فکر کردن و با مشکلات دست و پنجه نرم کردن و انحرافات بسیاری از مدرسه ها و دبیرستان ها را مشاهده کردن، ارتباطات تلفنی و ارتباطات نزدیک بین دختران و پسران کمتر از ۱۶ ۱۷ سال را دیدن و شنیدن، از این گونه رفتارها رنج می برم و از این گونه مسایل بدین نتیجه رسیدم که هرچه نونهالان اجتماع از نظر فکر و شجاعت تقویت گردند؛ ولی از نظر ایمان و اخلاق نیرومند نباشند، دیو مفسد، خیلی زود آنها را از پای درآورده و آنها را متلاشی می کند و علت اصلی آن، خود پدران و مادران هستند. بدین ترتیب به عنوان واکسینه فکری، لزوم بحث از اخلاق و مفسد و راه مبارزه با آنها، ضروری به نظر رسید که

اینک با شما مشورت کنم و از شما طلب کمک کنم، خواهش می‌کنم مرا راهنمایی کنید، حتی با فرستادن کتابی در این زمینه.

اگر من بخواهم با یاری خدا و کمک شما با این گونه انحرافات نوجوانان و جوانان، در محیط مدرسه و دبیرستان حتی به اندازه محدود مبارزه کنم، چگونه می‌توانم موفق باشم؟ چگونه می‌توانم افکار و عقاید نادرست آنها را اصلاح سازم و آنها را نسبت به این مسایل روشن کنم و راه مستقیم را پیشه راهشان قرار دهم؛ از شما استدعا می‌کنم که مرا کمک کنید.

البته لازم به یادآوری است که من هیچ گونه مسئولیتی در این کشور ندارم؛ منظور من این است که حتماً نباید رئیس ارگان و یا رئیس سازمانی باشم که جواب نامه ام را بدهید. بی‌توجه بودن نسبت به این نامه؛ یعنی بی‌توجهی به نسل جوان و جامعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ یعنی بی‌توجهی به اسلام و قرآن.

منتظر نامه پر مهر و محبت شما هستم.

در حدیث حسن، (۱) از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر کس هفت شوط طواف خانه خدا را بنماید، حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد، شش هزار گناه [از او] محو بکند، شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را برآورد؛ ولی برآوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف. (۲)

۱- از اقسام حدیث.

۲- علامه مجلسی، حلیه المتقین.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ همیشه [از] توجهات و عنایات و الطاف و مراحم خاصّه حضرت بقیه الله الاعظم، حجه بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره مند باشید.

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه مفصّل و مشحون به مطالب ارزنده و دلسوزی برای نسل جوان و در لفظی دیگر، دلسوزی برای جامعه و اسلام عزیز و فرزندان اسلام واصل شد و بسیار موجب امیدواری و خشنودی گردید.

تأخیر در جواب به واسطه کثرت مشاغل، مراجعات و مسایل کتبی و شفاهی است که باید به همه جواب داده شود و همان طور که مرقوم داشته اید، چنین نیست که نویسنده نامه باید از مسئولین یا رئیس یک سازمان و ارگان باشد تا جواب داده شود. معاذ الله! إِنْ شَاءَ اللَّهُ در جواب ها، بیشتر توجه به انجام وظیفه و کمک به نشر معارف اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و بالا بردن سطح آگاهی های جامعه و خصوص نسل جوان است.

مسأله یا مسایل جوانان، مسایلی هستند که همواره مورد توجه آگاهان، مربیان جامعه و هادیان فکر و اندیشه و به خصوص مکتب انبیا علیهم السلام و بالخصوص مکتب اسلام بوده و هست.

اصلاحات، سازندگی ها، آینده نگری های اقتصاد، سیاست ایمان و عقیده، همه روی این قشر تمرکز حساس دارد؛ چه آنهایی که با اغراض فاسد و مقاصد شخصی، قصد افساد و انحراف جامعه را دارند؛ و چه آنهایی که قصد اصلاح و سالم سازی و خیر و سعادت مردم را دارند، روی این طبقه جوانان و نوجوانان سرمایه گذاری می کنند.

روحیات جوانان برای عمل و فعالیت و قدم به پیش بودن و ترقی و تکامل آماده است، چنان که برای سقوط و افتادن در منجلاب انحراف های گوناگون و فساد اخلاق نیز آماده اند.

سخن در مباحث مربوط به جوانان و عوامل مؤثر در رشد و کمال و یا سقوط و انحطاط آنها و اشباع درست غرایز و خواسته های آنان، نیاز به نوشتن رساله ها و کتاب ها دارد.

در عصر ما، به واسطه گسترش ارتباطات و وسایل سمعی و بصری و طبع و نشر افکار و آرا و تبلیغات مستقیم یا غیرمستقیم، مسایل جوانان بسیار گسترده و پیچیده گردیده، که سالم ماندن یک جوان نیاز به مراقبت ها و مجاهدت ها و تلاش های فراوان خود فرد دارد که با آگاهی از اوضاع مختلفی که به عنوان سیاست، اقتصاد، مکتب های فکری و مسایل جنسی، برای نیل به سعادت و سلامت روحشان، آنها را هدف قرار داده، از خود مواظبت کنند. مجلات، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون و انواع فیلم ها در تمام دنیا از مهم ترین عواملی هستند که روی جوانان کار می کنند و جوامع بشری را به سوی سعادت یا شقاوت سیر می دهند.

این وسایل، جوانان شهرنشین و جوانان روستایی و همه و همه را شامل می شوند و حتی لباس و ژست کارگردانان برنامه های تلویزیونی نیز، پسر و دختر را در همه جا، حتی در دورترین نقاط، تحت تأثیر خود قرار می دهند؛ البته در ساختن یک جوان سالم و مسلمان، محیط خانه و خانواده، محیط مدرسه و آموزشگاه، و محیط جامعه، همه مؤثرند. همان طور که قرآن کریم می فرماید:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» (۱)

محیط ها، مدرسه ها و خانواده های سالم یا فاسد، در تربیت نسل جوان، مؤثر است. در گذشته، محیط یک جوان، یک کوچه یا یک روستا یا یک شهر و بازار بود؛ امّا امروز محیط تربیت جوان و نوجوان، تمام جهان است؛ البته این پیچیدگی ها و وسعت تضارب افکار و توسعه میدان مخاطرات به این معنا نیست که تصوّر کنیم چاره ای نمی توان اندیشید و جوانان و نوجوانان را نمی توان در مسیر صحیح هدایت کرد و غرایز آنها را در راه سعادت خودشان فعال نمود.

بلکه با تمام این اشکالات، راه های سالم سازی جامعه و پرورش افکار و تربیت اسلامی جوانان نیز، به موازات این دشواری ها زیاد شده و از جمله، رشد آگاهی جامعه و خود جوان ها نیز برای سالم سازی، زمینه تأثیر تبلیغات مثبت و مفید را فراهم تر نموده است.

بنابراین باید تبلیغات صحیح روی جوان ها فراگیرتر و کامل تر انجام شود؛ باید مشکلات جوان ها را شناسایی کرد و مدیریت جامعه، مسؤولین بهسازی اخلاق، پدر و مادر و اشخاص و افراد، همه به طور جمعی و فردی در حلّ آنها اقدام نمایند.

همین مسأله مشکل جنسی را که تذکر داده اید، دین مقدّس اسلام آن را بسیار مهمّ دانسته و نسبت به حلّ آن، تشویق و ترغیب کرده است. ازداج را در

۱- سوره اعراف، آیه ۵۸؛ و زمین پاک، گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آنچه پلید است جز [حاصلی] ناچیز برنیاورد.

جامعه اسلامی از بنیان‌های بسیار مقدّس و محبوب خدا معرفی نموده و آن را حلال مشکلات جوانان شمرده، که فرموده اند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^(۱) و سعی در انجام آن را بین دو نفر، به قدری موجب اجر و ثواب معرفی کرده اند که به هر قدمی که شخص برای رفع این مشکل، از زندگی کسی بردارد یا کلمه‌ای که بگوید، ثواب یک سال عبادت که شب‌هایش را به نماز و روزهایش را به روزه به سر برده باشد، مقرر شده است.

در رشته‌های دیگر، تعالیم عالیه اسلام، همگان و به خصوص جوانان را تا حدّ ممکن بیمه می‌سازد و از آسیب‌پذیری دور می‌نماید. طبع و نشر مقالات، مجلّات، روزنامه‌ها، رمان‌ها، فیلم‌ها و برگزاری بازی‌ها، مسابقات فساد انگیز، مطالعه، دیدن، نقل و گفتن آنها و گرایش به لهو و لعب و موسیقی و قمار، سرگرمی‌های زیان‌آور، مجالست و همنشینی‌ها، مصاحبت با اشخاص فاسد اخلاقی، همه را ممنوع فرموده است.

اسلام با تعالیم بهداشتی، برای سلامتی بدن و حفظ بهداشت، بسیاری از کارها و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را ممنوع کرده است. و از سوی دیگر، نشر و طبع مقالات و کتاب‌های مفید و پرورش دهنده عقل، فکر، روح و اشعار و تفریحات سالم، سازنده و مجالست و مصاحبت‌های گوناگون را تشویق و ترغیب فرموده اند و از بیکاری و بطالت که خود نیز، خواه قهری و غیراختیاری یا اختیاری باشد، نظر به مشکلاتی که می‌آفریند، سخت نکوهش شده و از کار و عمل و تلاش و فعالیت، مدح و ستایش شده است.

۱- کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ آن کس که ازواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

به عقیده ما، اسلام همه راه حل ها را بیان فرموده است، و اگر نگوییم همه، اغلب مشکلات امروز، به خاطر پیاده نشدن این راه حل ها است.

یک جامعه اسلامی، جامعه ای است که موجبات سعادت جوانان و نوجوانان، در حدّ ممکن در آن فراهم شده و از اسباب و وسایل انحراف پیراسته و منزّه باشد.

بنابراین همه باید اقدام کنیم؛ چه آنهایی که مدیریت هایی در جامعه دارند، به خصوص آنهایی که به عنوان امین، در مدیریت بر وسایل تبلیغی سمعی و بصری برگزیده شده اند، باید حفظ این امانت را که از اعظم امانات است، بسیار مهم بدانند؛ و کوتاهی در آن را از بدترین خیانت ها به مردم، اسلام، کشور و جامعه بدانند؛ باید افراد مهذب، آگاه و ظاهر الصلاح، در همه پست های این کارها گمارده شوند.

مطبوعات و جراید، همه و همه وظایف شان سنگین است. این گونه که بسیاری تلقی می کنند، نیست؛ بلکه باید جوانان را با مساجد یا مجالس وعظ و هشدارهای اخلاقی، با مطالعه کتاب های آموزنده و صحیح دینی، با نقل سرگذشت های تاریخی سودمند، با تفسیر قرآن مجید، با مجالس دعا، در خطّ صلاح و فلاح و رستگاری نگاه داشت و خود آنها هم که بیشتر آگاه و متوجه هستند، باید در خطّ اصلاح خود و هم سنّ و سالان خود تشریک مساعی و بذل فداکاری و کوشش کنند.

باید اخلاق اسلامی، زهد، آزادگی، پارسایی، قناعت، شجاعت و خودشناسی را به آنها آموخت تا بدانند که خود را به هر جریان و هر وضع نفروشند. و این کلام معجز نظام امیرالمؤمنین علیه السلام را همیشه مقابل چشم دل خود قرار دهند:

«أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا» (۱).

و بدانند که انسان بالاتر از این است که اسیر شهوات، مادیات، افکار و اعمال شیطانی شود، و مثل این اشعار را زمزمه نمایند که:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت بدر آی تا ببینی طیران آدمیت

بحمد الله در معارف شیعه و فرهنگ غنی ما، بیش از آنچه تصور شود، به جوانان و پسران و دختران، ارائه راه و طریق شده است؛ آیات قرآن کریم، آن همه احادیث شریفه و این دعا‌های انسان ساز عالی‌المضامین و این کتاب‌ها و اشعار و مقالات.

باید جوان‌ها را به این فرهنگ غنی متوجه کرد که بخوانند، تا هم عظمت دین خود را بدانند و فرهنگ دینی اسلام را بشناسند و هم خود را بسازند، جوان‌ها و همه را باید به حسابرسی و محاسبه اعمال راهنمایی کرد تا همیشه در مقام تحصیل ترقی و کمال، بیشتر باشند.

بالاخره شما جوان عزیز نوزده ساله که الحمدلله از این همه آگاهی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶؛ آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی، همچون ته مانده طعامی است که در دهان باقی ماند، به اهلش واگذارد. به راستی که جز بهشت، هیچ ارزشی برای جان‌هایتان نیست؛ پس جان‌هایتان را به غیر از بهشت نفروشید.

و دانایی برخوردارید و شمه ای از آن را در این نامه به قلم آورده اید! من به شما تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال می خواهم که مثل شما را که در جوانان و نوجوانان مسلمان زیاد است، زیادتیر و بیشتر بفرماید.

شما جوانان، آینده اسلام هستید؛ عظمت اسلام، شوکت اسلام مرهون تلاش و رشد و آگاهی شما است. همه از شما انتظار دارند، اسلام از شما انتظار دارد و قرآن کریم به انتظار شما است و حضرت بقیه الله، مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء از شما انتظار دارد؛ بیشترین یاوران آن حضرت، از شما جوانان مسلمان و متعهد خواهند بود.

عزیزان من! اگر ما در ادای وظایف خود نسبت به شما قصور یا تقصیر داریم، شما به نفس خود اعتماد کنید و با توکل به خدا در دین، ایمان، تقوا، سعی و عمل، ثبات قدم نشان بدهید، قدم به جلو بردارید و به جلو بروید و فقط عزت اسلام، سیاست مسلمین، رضای خداوند و خوشنودی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و تأمین رفاه و آسایش خلق و خدمت به مردم را وجهه همت قرار دهید!

خداوند یار و یاور شما و امام زمان علیه السلام پشتیبان شما باشد.

«وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (۱)

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۵؛ و بگو کارتان را بکنید، به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

یکی از افراد خانواده مان، آن چنان غرب زده شده که به مجسمه سگ و صلیب اظهار علاقه می کند و هرچه پدر و مادرم او را نصیحت می کنند، اثری ندارد.

۱ آیا این کار با روح اسلام سازگاری دارد؟

۲ اگر با مرد نامحرم دوست باشم و به او علاقه داشته باشم، آیا از نظر اسلام صحیح است؟

۳ آیا با کسی که قصد ازدواج دارم، می توانم ملاقات کنم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتوبِ حاکی از علاقه شما، به وظایف دینی واصل شد. امید است خداوند متعال به شما و عموم بانوان و دوشیزگان مسلمان، که در این عصر به خصوص در معرض آزمایش و امتحانات واقع شده اند، توفیق دهد که از عهده امتحان به طور شایسته بیرون آمده و شخصیت اسلامی خودتان را محفوظ و تحت تأثیر تلقینات و تبلیغات سوء منحرف کننده، از خدا و راه مستقیم اسلام دور نشوید و درک کنید که وظیفه زن در زمان ما و مسؤولیتش بسیار مهم است و در بقای جامعه اسلامی، وضع و اخلاق بانوان و پیروی آنها از تعالیم قرآن و سنت پیغمبر و ائمه علیهم السلام حساس و خطیر و مؤثر است.

اما مسأله اول؛ بسیار باعث تأسف است که غرب زدگی در جامعه

مسلمانان به این حدّ رسیده باشد دختری که در یک خانواده و محیط مسلمان و موحد پرورش یافته، و صدای توحید اذان و الله اکبر و شهادتین را همواره شنیده است، این گونه خود را باخته، و پیرو بیگانه باشد که به مجسمه سگ یا صلیب که مفاد مسیحیت و حرام است، اظهار علاقه نماید، و به پند و راهنمایی پدر و مادر مهربان توجه نکند.

این علاقه ها، نشانه احساس شخص به ضعف خود در برابر دیگران است که تصور می کند با این گرایش ها نقطه ضعف برطرف می شود؛ در حالی که این خود، عین اظهار و آشکار کردن نقطه ضعف، انحراف فکر و بالغ نبودن روح است، که به جای علاقه به کمالات و ارزش های انسانی، به این گونه امور، که از عادات پوچ و زشت بیگانگان است، توجه کند و با توجه به این که تلقینات و تبلیغات گمراه کننده سمعی و بصری و بعضی مطبوعات که در اختیار دوشیزگان و بانوان گذارده می شود، این علایق را ایجاد و تقویت می نماید، و این روش های بی ارزش و زیان بخش را به آنها تعلیم می دهد. گمان می کنم در این موضوع بیشتر از این توضیح لازم نباشد و شما و هر بانوی بافکری اگر مطالعه بنماید، آگاه و ملتفت می شود که این هم، آثار و نقشه های شوم ضدّ اسلام و دور کردن مسلمانان از حریم هدایت های اسلام است.

و امّا راجع به سؤال دوم نیز، آنچه به شما نصیحت و خیرخواهی می کنم، این است که: در موضوع رابطه با مرد اجنبی بسیار مراقب باشید که رابطه ای خارج از حدّ و مرزی که شرع مقرر کرده است، پیدا نکنید. با مرد اجنبی آمد

و شد و معاشرت ننماید که خطرناک است و پشیمانی می آورد. لابد شنیده اید چه بسیار دوشیزگانی که در اثر این معاشرت ها و ارتباط ها، از حریم مقدّس عفت و پاکدامنی دور افتاده و در عواقب و آثار سوء این رفتارهایی که فعلاً به دوشیزگان پیشنهاد می شود و آن را نشانه تجدد و ترقی می دانند، گرفتار شده و آلوده گردیده اند، و آن مقاصدی هم که در نظر داشته اند، به باد فنا رفته؛ (یا فریب خورده اند، یا فرد پشیمان شده و یا جریان های دیگر).

این علاقه هایی که شما از آن نوشته اید، علاقه اصیل و حساب شده نیست؛ علاقه ای است که در ایام جوانی، بین هر پسر و دختری ممکن است پیدا شود، لذا در این موارد، همان راهنمایی های پدر و مادر و افراد دل سوز و پخته خانواده و مشورت با آنها که فکرشان از آن احساسات دختر و پسر جوان آزاد است، بسیار ارزنده است.

به نظر می رسد اگر خیر و سعادت خود را می خواهید، حتما موضوع ازدواج را با پدر و مادر در میان بگذارید. اگر آنها مخالفت کردند، ناراحت نشوید و بدانید آنها خیر فرزندشان را می خواهند و در این مورد تجربه شده است که نظر آنها واقع بین تر است، و در اکثر موارد، رأی و نظرشان صائب و صحیح است.

به شما و امثال شما نصیحت می کنم که در این مواقع جوانی، خود را کنترل کنید و بر خود مسلط باشید و اطمینان داشته باشید که آینده شما قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود.

اما مسأله جایز بودن دیدار و نظر به کسی که قصد ازدواج با او را دارید،

باید از حدود، و مقدار متعارف و به مقدار اطلاع بیشتر نباشد، و نمی شود که به این اسم، با مرد اجنبی اختلاط و معاشرت برقرار کرد؛ ایا از ازدواج با شخصی که شغلش حرام و درآمدش حرام است، اگرچه به خودی خود ممنوع نیست، آن هم از ازدواج هایی است که برای زن مسلمان آینده لذت بخشی نخواهد داشت؛ زیرا مسلمان باید از خوراک و پوشاک و اموال حرام پرهیز کند، و برای او زندگی با این شوهر دشوار می شود، مگر آن که شوهر، قبل از ازدواج، شغل حرام را ترک کرده و شغل حلال و مشروعی انتخاب کند.

خداوند متعال شما و همه بانوان و دوشیزگان مسلمان را در طریق اسلام و عفت و حجاب ثابت دارد.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

ص: ۱۰۷

فصل سوم: ازدواج

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آنکه جان بخشید در دل ها و پاک ساخت قلب ها را

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

تاکنون مدت دو سالی است که قصد مکاتبه با شما را دارم، اما به دلایلی این افتخار نصیب نشده بود، بالاخره امروز مصمم شدم مکاتبه ام را با شما آغاز کنم و خودم را از زندان سؤال نجات دهم؛ امیدوارم زیاد وقت گرامی تان را نگیرم و لطف کنید جواب سؤالات مرا بدهید.

اول از همه، رساله ای از خودتان می خواستم که احکام اولیه و ثانویه را مفصل شرح داده باشد و سؤال و جواب نباشد. اگر برایتان مقدور بود، لطفاً برایم بفرستید.

من دانشجوی رشته کاردانی حسابداری در ... تهران هستم و به رشته طراحی علاقه وافر دارم. به تازگی به عقد آقای ... درآمده ام. ایشان با ما زندگی می کند، به دلیل اینکه خانواده شان اهل بیرجند هستند. در حقیقت شاید زندگی مشترک ما شروع شده باشد. سؤال من این است: آیا ایشان حق دارد بر تمام امور من، نظارت و کنترل داشته باشد، یا فقط در مواردی خاص؟

موقعیتی در دانشکده پیش آمده که می توانم طراحی را ادامه دهم؛ ولی ایشان این کلاس را برای من ممنوع کرده اند. آیا می توانم

باز هم به دنبال این رشته بروم؟ دلیل ایشان این است که: به درسم لطمه می خورد. هرچه صحبت کرده ام راضی نشده. از این موارد زیاد پیش می آید. می خواستم بدانم با وجود اینکه هنوز در خانه پدرم هستم، مسؤلیت من به گردن پدرم است یا [شوهرم]؟ با توجه به جلب رضایت هر دو، حرف کدام در حال حاضر مهم تر است؟ آیا او حقی در این زمان بر من دارد و می تواند مرا از تحصیل محروم کند؟

در ضمن، آیا گذشته من ربطی به او دارد؟ من از زمان تولد تا رسیدن به او را برایش با جزئیات و احساساتم بیان نموده ام. شاید اشتباه کرده ام، چون او حساس شده است؛ البته شاید من نتوانسته ام آن طور که باید، خودم را به او بشناسانم؛ چون حقیقتاً خودم را هنوز نشناخته ام و درگیر خودم هستم.

ما هر دو می خواهیم بر اساس قوانین شرعی و اسلامی پیش برویم و زندگی مان را حلال گردانیم. بر این اساس من چه باید بکنم تا زنی نمونه باشم؟! البته جواب را می دانم که باید مطالعه کنم و الگویم را حضرت زهرا علیهاالسلام قرار دهم؛ اما باز هم به کمک شما احتیاج دارم.

به من بگویید: تا چه حد ایشان می توانند در گذشته من حقی داشته باشند؟ و آیا من همه چیز را باید با او در میان بگذارم و نمی توانم مواردی را از او پنهان کنم تا موقعیت مناسب پیش آید؟

مثلاً آیا می توانم پنهانی، طراحی را ادامه دهم؟ آیا لازم است همه اتفاقاتی که برایم در طول روز می افتد، برای او بازگو کنم، حتی اگر به ضرر زندگی مان باشد و خدشه ای بر صمیمیت ما وارد کند؟!

در ضمن ایشان، جوانی پاک و سالم از هر نظر هستند و من ایشان را هدیه ای از جانب خدا می دانم.

و می خواستم بدانم آیا شما شعر هم می گوید؟ اگر امکان دارد و افتخار می دهید، قسمتی از نوشته هایتان را برایم بفرستید. ببخشید که این قدر طول کشید. منتظر جواب شما هستم، و برای شنیدن جواب عجله دارم. با تشکر و احترام فراوان خدمت جناب عالی!

بسم الله الرحمن الرحيم

مرقوم مفصل شما رسید، جوابا اشعار می دارد:

یکی از آیات بزرگ الهی و شگفتی ها و ظرافت هایی که در عالم آفرینش، به خصوص انسان، تماشایی و عبرت انگیز و بینش آفرین است، زوجیت و همسر و همدم و انیس و مونس بودن زن و مرد با یکدیگر است، که واقعا الآن که این نوشته را می نویسم، واژه ای که تعبیر از این زوجیت و با هم شدن و با هم بودن و یکی شدن این دو جنس را بنماید، ندارم.

قرآن مجید می فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ (۱) بانوان برای شوهران لباس و شوهران برای ایشان لباس می باشند.

۱- سوره بقره، آیه ۱۸۷؛ آنان "پیراهن تن" شما، و شما "پیراهن تن" آنان هستید.

و در آیه دیگر پیرامون این رابطه می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا أَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ (۱) از خود شما برایتان قرار داد؛ یعنی همدم، مونس، غمخوار موافق و همدل، نه معارض و نه جدا از هم و نه مستقل از هم؛ بلکه متحد، اتحادی که بین هیچ دو نفری برقرار نمی شود. حقیقت زوجیت این معانی مقدس و آرام بخش است، این است که: از دو جنس مخالف، یک واحد به تمام معنا موافق ساخته می شود و اسلام به این جهت ازدواج و تقویت و تکمیل، بسیار اهمیت داده است و در اکثریت زنان و شوهران مسلمان، این روحیه و این تجلی و یگانگی و اتحاد را، اگرچه بالطبع فراهم است، فراهم تر می سازد، و اهتمام بر این است که: بنیاد قویم و مستحکم، از آسیب و تعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند.

حقیر در همین زندگی خود، زنان و مردانی را دیده ام که در این جهت با هم شدن و از هم بودن، نمونه بودند و چنان بودند که گویی هر یک از راز دل دیگری خبر داشت و همان را انجام می داد و همان را می گفت که دیگری می گفت، شخصیت شان در هم ذوب شده بود؛ اگر او در بیرون خانه بود و دیگری در درون خانه، هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادی و گشایش شریک یکدیگر بودند. نه این خود را از او طلب کار می دانست و نه او به این ادعایی داشت.

۱- سوره روم، آیه ۲۱؛ و از جمله آیات او این است که: برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید، و در میان شما دوستی و مهربانی افکند.

این مردسالاری تحمیلی، که در زمان ما، مبارزه با آن را مطرح می نمایند، و از آن برای جدا کردن زن از شوهر، و آن ها را دو واحد در مقابل هم قرار دادن استفاده می کنند، اصلاً وجود نداشت. اخلاق اسلامی در محیط خانه و بر روابط با هم حاکم بوده است.

غرض از این بیانات، این است که: شما برحسب آنچه نوشته اید، همسری دارید که از هر جهت، پاک و سالم است که او را هدیه ای از طرف خدا می شمارید، پس مسأله ای غیر قابل حل بین خودتان نخواهید داشت. این صفا و وفا و خوش بینی که به هم دارید، همه امور را بر وفق دلخواه قرار می دهد، شما خاطرخواه او و او هم خاطرخواه شما خواهد بود.

البته در نظامات شرعی، برای اینکه اگر در بین زن ها و شوهرها، افرادی پیدا شدند که به واسطه بعضی جهات و عذرهای صحیح یا بهانه های غلط به این اتحاد و یگانگی نرسیدند، قانون بر آنها حاکم شود و آنها را منظم سازد، برای هر یک از زن و شوهر نسبت به هم حقوقی مقرر شده است که برحسب آن، نظام خانواده و زوجیت باز هم محفوظ بماند و در سایه این حقوق و قانون با هم همزیستی داشته باشند. برحسب این حقوق، هیچ زن و مردی موظف نیستند که از گذشته های خوب و بد و سوابق زندگی خود یکدیگر را مطلع سازند، باید هر چه می گویند و عمل می کنند، همه موجب قوت اتحاد و خوش بینی آنها به یکدیگر باشد.

مسأله اینکه تا در خانه پدر هستید، باید چگونه باشید؛ این جزئیات را با توافق و ملاحظه خنمودن یر و صلاح یکدیگر، در حالی که یک واحد هستید،

حل نمایید. نه او جمود بر حقی که دارد، داشته باشد و نه شما در موضوعی که در بین است، اصرار کنید.

مرد باید دستور «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَاهِ أَهْلِهِ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ بِشَهْوَاتِهِ»^(۱) را در رابطه با زن رعایت کند، زن هم باید خود را موظف بداند که از نظر اخلاقی و حقوقی و شرعی، رضایت شوهر را فراهم نماید.

امید است با این توضیحات، این روابط گرمی که بین شما و همسرتان، بحمدالله برقرار است، بیش از پیش گرم تر شود، و زندگی سعادت مندانه و خوب تر و خوب تر را در پیش روی داشته باشید.

«أَلْفَ اللَّهِ بَيْنَكُمَا وَطَيَّبَ اللَّهُ نَشْلَكُمَا»

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۲؛ مؤمن آن گونه غذایی را می خورد که موافق میل همسر و فرزندانش است؛ ولی منافق در غذا خوردن، فقط به رأی و نظر خود توجه می کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارك آيت الله العظمى صافى گلپايگانى (دامت برکاته)

مشکل من انتخاب همسر آینده ام می باشد، چندی است که در مورد انتخاب همسر، مشغول فکر کردن و انتخاب معیارهای درست، که مورد قبول خداوند متعال باشد، هستم؛ معیارهایی که مورد قبول عقل و شرع باشد و مرا در زندگی مشترک، با زنی به خوشبختی کامل و آنچه مورد نظر اسلام است، برساند.

معیارهای من، عبارتند از: هم فکری و هم عقیده بودن، مشترک بودن مکتب و دیدگاه، از نظر روحی و فکری به هم نزدیک بودن و در یک کلام هم شأن بودن از نظر فکری.

به ثروت، زیبایی، تحصیلات و غیره اهمیت نمی دهم؛ هرچند این مسایل را انکار نمی کنم. به هر حال انسان دوست دارد همسری زیبا، دارای تحصیلات عالی داشته باشد؛ ولی به نظر من، وقتی انسان با دختری که با او هم فکر و هم عقیده است ازدواج کند، خود به خود همه این مسایل حل می شود.

به نظر من، طرز تفکر طرفین (هم فکر بودن)، شعاع بسیار وسیعی در مورد معیارهای ازدواج دارد. فکر من این است که به تحصیلات و کسب دانش تا آخر عمر ادامه دهم، دائما در مورد مسایل مختلف فکر کنم، از گناه و معصیت الهی پرهیز کنم،

در

زندگی فردی باشم که گوش به فرمان عقل باشد و عقلش بر احساساتش غلبه داشته باشد، و در یک کلام، انسانی باشم که خدای تعالی خواستار آن انسان و مورد توجه خداوند باشد. میل دارم همسر، خانواده اش و فامیلش دارای این طرز تفکر باشند؛ مهم تر از همه اینکه خود آن زن، این طرز تفکر را داشته باشد؛ طرز تفکری اسلامی و مورد قبول خداوند؛ ولی مشکل من در اینجا خود را نشان می دهد که چگونه بفهمم دختری دارای این شرایط است.

من در دانشگاه تحصیل می کنم، در این دانشگاه دختر و پسر مشغول تحصیل هستند. از طرفی، از ارتباط کلامی با دخترها پرهیز دارم و از طرفی دیگر، مایلم بدانم کدام دختر در این دانشگاه یا در شهر محل سکونت، دارای این طرز تفکر است.

باور کنید وقتی در تخیل و رؤیا، به این مسأله فکر می کنم که مشکلم حل شده است، آن دختر مورد علاقه ام را پیدا کرده ام و با او ازدواج کرده ام، آن چنان آرامش و اطمینان تمام وجودم را [فرا] می گیرد، که وصف ناشدنی است. و اکنون که مشغول نوشتن این نامه برای حضرت عالی هستم، مانند مرغی سرگردان و حیران هستم، نمی دانم با چه دختری وصلت کنم؟!

معیار من، خانه، دارای زیبایی و ... نیست، معیار من، هم فکر و هم عقیده بودن است؛ زیرا با چنین دختری، زندگی را شروع کردن، آغاز خوشبختی است.

می خواهم از نظر جناب عالی مطلع شوم و راه درست را که مورد قبول حضرت حقّ باشد به من نشان دهید که چگونه همسر آینده ام را بشناسم؟ و آیا این معیارها درست است و اشتباهی در مورد انتخاب معیارهایم ندارم؟ مرا راهنمایی کنید تا از این سرگردانی نجات پیدا کنم و هر روز تمایل به کسی پیدا نکنم و پیش خود خیال نکنم این همان است که به دنبالش می بودم و بعد بینم سراب است. البته تمایل من فقط نگاه است و نه حتّی چشم چرانی؛ بلکه نگاهی کوتاه و سریع، حتّی از نگاه به نامحرم، اگر چه کوتاه، ایا دارم؛ ولی بعضی مواقع، چشم من به کسی می افتد و هرچه دیده بیند، دل کند یاد.

بسم الله الرحمن الرحيم

ان شاء الله موفق و مشمول عنایات حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء باشید. مرقوم مفصل شما رسید؛ در مورد ازدواج که نظر حقیر را خواسته اید، همان طور که می دانید ازدواج یکی از سنن مهم اسلام و مورد ترغیب و تشویق بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: «النَّكَاحُ سُنَّتِي» (۱) و در احادیث دیگر است: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصِيفَ دِينِهِ» (۲).

امید است حال که درصدد انجام این سنّت هستید، چنان که در نظر دارید،

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۸۰؛ ازدواج از سنّت من است.

۲- کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۹؛ آن کس که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

موردی که از جهت ایمان و توافق اخلاقی مناسب باشد، فراهم شود؛ ولی در انتخاب همسر بیشتر از معارف، فحوص و جست و جو تا حدّی که به مرحله وسواس و مانع از اخذ تصمیم شود، صحیح نیست. همین قدر که از جهات مورد نظر، به خصوص دیانت، عفت و اخلاق شناخته شود و پدر و مادر شما و افرادی که به آنها اعتماد دارید، شخص را مناسب بدانند، بقیه امر و آینده همه با خداوند متعال است.

با توکل به خدا و طلب خیر از خدا و به نیت انجام سنّت دینی اقدام نمایید و آینده اموری را که انسان در جریان آن مؤثر نیست، همه را به خدا واگذار نمایید که: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۱).

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

۱- سوره طلاق، آیه ۳؛ و هرکس بر خداوند توکل کند، همو وی را کافی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

جوانی هشتم ۲۵ ساله، مدّت سه ماه است ازدواج کرده ام. در طول این سه ماه متوجه شده ام همسرم با من ناسازگاری و لجاجت بی مورد دارد؛ مدام بهانه های بی خود می گیرد و منتظر بهانه و فرصتی است تا از من جدا شود.

این طور که در این مدّت فهمیدم و خودش هم اعتراف کرده، قبل از ازدواج، موارد اخلاقی رابطه با پسر داشته و دختر سر به زیری نبوده است، به طوری که مدارکی هم نامه های عاشقانه، شماره تلفن و غیره از او پیدا کرده ام. من همیشه او را نصیحت می کردم تا شاید اصلاح شود، حتی یک بار او را تهدید کردم چیزهایی را که فهمیده ام به پدر و مادرش می گویم و از او تعهد کتبی با امضا و اثر انگشت گرفتم؛ اما مؤثر واقع نشد.

البته شاید، به ظاهر کمی مشکل اخلاقی اش اصلاح شده؛ اما در مورد ناسازگاری و لجاجت، الآن مدّت دو هفته است که به خاطر همین مسایل، او را به خانه پدرش برده ام؛ چون گفته من نمی توانم با تو زندگی کنم و طلاق می خواهد. ما هم برای طلاق استخاره کردیم، استخاره خوب آمد؛ اما ممکن است با پادرمیانی ریش سفیدهای فامیل و بزرگ ترها، دوباره مجبورش کنند که برگردد.

با توجه به اینکه هیچ کس از موضوع مسایل قبل از ازدواجش خبر ندارد و با علم به اینکه می گوید: «پدرم مرا به ازدواج با تو مجبور کرده»، من برای آخر و عاقبتم و طلاق دادن او، استخاره کرده ام و خوب آمد. حالا- به نظر شما چه کنم؟ به حرف بزرگ ترها و ریش سفیدها گوش کنم یا به استخاره عمل کنم؟ اگر لازم می دانید شما هم استخاره ای در این مورد بنمایید؛ چون من اصلاً به او اعتماد ندارم و از آینده ام و زندگی با او و احتمالاً خیانت او می ترسم و مانده ام چه کار کنم؟!

لازم به ذکر اینکه: بنده از لحاظ مالی و اخلاقی هیچ مشکلی ندارم؛ ولی نمی دانم مسایل اخلاقی اش را به پدر و مادرش بگویم یا نه؟! اگر نگویم و او را طلاق دهم؛ چون کسی در جریان نیست، حتماً به فساد (بیشتر) کشیده می شود. و اگر بگویم، نمی دانم [که آیا] مدارکم حتی تعهدی که از او همراه با امضا و اثر انگشت گرفته ام برای اثباتش کافی است یا نه؟!

با تشکر و عذرخواهی از اینکه وقتتان را گرفتم و مطلب به درازا کشیده شد؛ اما لازم دیدم تمام مسایل را به طور گسترده و باز خدمتان ارائه نمایم تا بتوانید راهنمایی فرموده و نظرتان را به طور کامل و قطعی بیان نمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم

حقیر به علت عدم اطلاع، از اظهار نظر در امر داخلی و شخصی شما

معذورم. به طور کلی؛ اولاً اگر بر سرّی و امری که برای فرد عیب و عار باشد، مطلع شده اید، افشا نکردن آن فضیلت و ثواب بسیار دارد؛ بلکه افشا کردن نیز، اگر ضرورتی نباشد، حرام و معصیت است و گاه موجب تعزیر یا حدّ (مجازات شرعی) قذف (نسبت ناروا دادن به کسی) می شود. بنابراین از افشای سرّ، حتی پیش پدر و مادر شخص پرهیزید.

ثانیاً: امر طلاق به دست مرد است و به خصوص اگر زوجه هم مایل باشد؛ البته اگر به واسطه طلاق، زوجه در معرض فساد اخلاقی یا فشارهای روحی قرار بگیرد، و در صورت امکان زندگی با زوجه، ترک طلاق و ادامه معاشرت به معروف، بسیار خوب است که مبعوض ترین کارهای حلال، طلاق است.

ثالثاً: این خود شما هستید که با توجه به نظر ناصحین، سالمندان فامیل، دوستان و امکاناتی که خود دارید، می توانید با ملاحظه جوانب مختلف تصمیم بگیرید. به هر حال حقیر هم دعا می کنم که آنچه خیر و صلاح شما و طرف شما است، فراهم شود.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

لطف الله صافی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

